

جنگ در کردستان عراق

از نوشعله ور شد

در صفحه ۱۲

رژیم برای سرکوب بیشتر
قانون وضع می کند

محمد تقی محصل همدانی رئیس کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی اخیراً اعلام کرده است که تا پایان سال جاری خورشیدی، لایحه مجازات های اسلامی بخش تعزیرات برای تصویب نهایی در جلسه علنی مجلس مطرح خواهد شد. این لایحه ۲۱۸ ماده ای که در سال ۱۳۷۰ در هیئت دولت جمهوری اسلامی به تصویب رسیده و تا کنون نیمی از بندهای آن در شور دوم...

تشکیل سازمان جدید برای
محاكمه ارتشیان

محمد بزدی رئیس قوه قضاییه در اوایل آذرماه گذشته، خبر تشکیل سازمان قضایی ارتش را اعلام کرد. از این پس کلیه تخلفات پرسنل ارتش در تمامی زمینه ها در این سازمان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سازمان قضایی ارتش مستقل از دادگاه انقلاب عمل خواهد کرد و گفته محمد بزدی تخلفات پرسنل ارتش را به طور جدی پیگیری خواهد کرد. بزدی همراه با اعلام...

تظاهرات کارگران و دانشجویان
در تهران، اصفهان و شهر کرد

کارگران کارخانه ۱۶ هزار نفری نساجی سیمین اعتصاب کردند دانشجویان دانشکده حقوق: هدف ما اعتراض به روند اخراج استاید و جونا مطلوب علمی است که در دانشکده به وجود آمده است دانشجویان تربیت مدرس خواستار برکناری وزیر فرهنگ و آموزش عالی شدند در حالی که رژیم با تجهیز نیروهای مقاومت بسیج و سپاه پاسداران و سرکوب مسلحانه مردم می کوشد اقتدار خود را بر اوضاع سیاسی کشور حفظ کند، موج تازه ای از تظاهرات کارگران و دانشجویان در شهرهای تهران، اصفهان و شهر کرد به راه افتاد. در اصفهان کارگران مجتمع صنعتی ریسندگی و بافندگی سیمین از روز سه شنبه ۲۹ آذرماه دست از کار کشیده و اعلام کرده اند تا زمان دستیابی به مطالباتشان به اعتصاب ادامه خواهند داد. اعتصاب کارگران در پی تاخیر پرداخت دستمزد آنان از سوی مسئولان صورت گرفت. کارگران پیش از آن...

خشونت،
بحثی در علل
وابعاد

صفحه ۷

رضایرانی:
می کوشیم
مکانیزم سانسور
در ایران
از بین برود

صفحه ۶

آیاشاه عربستان
اشتباه
شاه ایران را
تکرار خواهد کرد؟

صفحه ۹

پاسداران
دفتر منتظری را
محاصره کردند

نا آرامی های حوزه علمیه قم که پس از انتشار نامه آیت الله منتظری و مرگ اراکی اوج گرفته است، هفته گذشته با تظاهرات پاسداران مقابل دفتر آیت الله منتظری ادامه یافت. به نوشته روزنامه کیهان هوایی ۷ دی ماه جمعی از طلاب پاسدار رژیم در اعتراض به اعلامیه هایی که گفته می شود توسط پیروان آیت الله منتظری در سطح شهر قم پخش شده است، در مقابل دفتر و منزل وی اجتماع کرده و خواستار تعطیلی حوزه تدریس وی شدند. بهانه یورش طلاب پاسدار به محل زندگی و تدریس آیت الله منتظری انتشار اعلامیه ای است که گویا پیروان منتظری در جریان معرفی فقهای واجد شرایط مرجعیت نوشته و در آن به آخوند هابی که از سوی رژیم و برخی از مدرسین قم به عنوان فقهای جامع الشرایط برای جانشینی اراکی اعلام شده بودند، توهین کرده اند. در مورد صحت چنین اعلامیه ای گزارشی انتشار نیافته است. طلاب طرفدار رژیم هنگام تظاهرات پارچه ای که روی آن نوشته شده بود مسجد ضار، بر بالای محل تدریس آیت الله منتظری نصب کردند و نشان دادند که اگر هراس از خشم مردم نداشتند، محل عبادت و درس وی را بر سرش آوار می کردند. یک روز پس از تظاهرات جمعه، حزب الله با صدور اطلاعیه ای از طلاب طرفدار رژیم دعوت کرد که راس ساعت ۷/۳۰ دقیقه صبح مقابل دفتر منتظری تجمع و درس وی را...

در اثر سقوط هواپیما
فرمانده و ده افسر نیروی هوایی
کشته شدند

دچار سانحه شد و تمامی سرنشینان آن کشته شدند. خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد که چرخ های هواپیما به هنگام نشستن باز نشده اند و بدنه هواپیما بر روی باند فرودگاه سقوط کرده است. خبر این واقعه را جمهوری اسلامی روز جمعه انتشار داد و شهبازی در مصاحبه خود گفت که افسران مقتول از یک ماوریت بازمی گشته اند، لیکن به هدف و محل این ماوریت اشاره نکرد. یک روز بعد یعنی در روز شنبه روزنامه های تهران نوشتند که فرمانده نیروی هوایی و همراهانش از کیش عازم تهران بوده اند و قرار نبوده است که در اصفهان توقف کنند، لیکن با تصمیم ناگهانی ستاری جهت شرکت در مراسم فارغ التحصیلی...

حکومت توپ خالی شلیک می کند

ساختن گیرنده های ماهواره نی نیز مطرح بوده است که با پادرمیانی غرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن که ظاهراً با تولید آنتن های ماهواره نی قصد دارد بر صادرات غیر نفتی رژیم بیفزاید، منع تولید حذف شده است. در ماده ی ۲ لایحه مهلت جمع آوری گیرنده های ماهواره نی یک ماه پس از تصویب طرح ذکر شده و وزارت کشور موظف گردیده است که با استفاده از نیروهای انتظامی و یا نیروی مقاومت بسیج نسبت به جمع آوری تجهیزات دریافت از ماهواره ها اقدام نماید. در پایان مهلت تعیین شده، علاوه بر ضبط گیرنده ها، دریافت مبلغ ۵۰۰ هزار...

قتل عام مردم چچن محکوم است

رویدادها در جمهوری چچن، جای چندانی برای تعبیرهای مختلف باقی نمی گذارد. محله های منکونی با خاک یکسان شده، انبوه جنازه ها که در خیابان ها پراکنده اند و صد ها هزار آواره، گناه قساوتی است که مهاجمان از خود نشان می دهند. حکومت روسیه و شخص یلتسین مسئول این فجایع اند. هر قدر هم که یلتسین خود را از بابت مصایب جنگ قفقاز "نگران" نشان دهد و هر بار هم که بیشتر برای فریب دادن افکار عمومی در روسیه و جهان، ظاهراً دستور قطع بمباران ها را دهد، کسی این دروغ را باور نمی کند که رئیس جمهور روسیه بدون آگاهی کامل از عواقب لشکر کشی به چچن، دستور این تجاوز را داده است. یلتسین، که سال گذشته با به توپ بستن پارلمان نشان داد که چقدر برای دمکراسی ارزش قائل است، آنچنان نقاب از چهره مستبد خود بر گرفته است که حتی دوستان غربی اش هم که تا همین اخیراً او را به عنوان "قهرمان آزادی" جا می زدند، دیگر نمی توانند علناً از ماجراجویی هایش حمایت کنند. اما عدم پشتیبانی علنی غرب از سرکوب مردم چچن، بدین معنی نیست که آمریکا و اروپای غربی قصد دارند به دوستی خود با حاکم کرملین پایان دهند. غرب، خدما تیرا که بوریس یلتسین در متلاشی کردن اتحاد شوروی کرده، به فراموشی سپرده است و هنوز هم می کوشد این واقعیت را مخدوش کند که مسئول اصلی جنگ قفقاز، شخص یلتسین است. سیا، سازمان جاسوسی آمریکا، می گوید "کنترل اوضاع از دست یلتسین به دررفته است". برخی گزارش های رسانه های غربی چنین القا می کنند که گویی یک جناح جنگ طلب در میان اطرافیان یلتسین وجود دارد که علیرغم میل خود او، روسیه را به این جنگ کشانده است. خود یلتسین هم حتی المقدور به پراکندن این فریب کمک می کند. او در حالی که از یک سود ستور ادامه جنگ تا تصرف گروستنی مرکز چچن را می دهد، به مشاور سابق خود در امور حقوق بشر می گوید که نگرانی های او از بابت حقوق انسانی چچنی ها را "مد نظر خواهد داشت". به موجب قانون اساسی روسیه که یلتسین با انحلال پارلمان سابق، مقدمات تصویب آن را فراهم کرد، قدرت رئیس جمهور تقریباً نامحدود است. او است که اختیار عزل و نصب همه مقامات دولتی را دارد، او است که سرنوشت جنگ و صلح را تعیین می کند. یلتسین از این اختیارات برای به راه انداختن جنگ چچن استفاده کرده است، و مسئولیت کامل این فاجعه را بر عهده دارد. این یک دروغ بزرگ است که ژنرال ها، رئیس جمهور روسیه را وادار کرده اند علیرغم میل خود، چچنی ها را قتل عام کنند. کشتار گروستنی در نخستین روزهای سال جدید مسیحی، ابعادی یافت که دولت های غربی دیگر نتوانستند این موضع کلیتوتون رئیس...

ادامه در صفحه ۳

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

سلاح هسته‌ای برای هیچ کس

یاد دیگر مساله تلاش جمهوری اسلامی برای دست یابی به تکنولوژی سلاح هسته‌ای در برخی رسانه‌های غربی و موضع گیری‌های مقامات دولتی این کشورها جایگاه برجسته‌ای یافته است. نیویورک تایمز نوشته است با سرعتی که جمهوری اسلامی برنامه‌های تکنولوژی هسته‌ای خود را پیش می‌برد، این ارزیابی که ایران تا ده سال دیگر امکان تکنولوژیک و مادی دستیابی به سلاح هسته‌ای را خواهد یافت، باید تصحیح شود. با این سرعت رژیم ایران می‌تواند تا ۵ سال دیگر به جرگه کشورهای دارای سلاح اتمی بپیوندد.

رئیس ستاد برنامه ریزی ارتش اسرائیل، ژنرال اوزی دایان نیز نسبت به برنامه‌های تسلیحاتی ویژه و سرعت پیشرفت جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای اظهار نگرانی کرده و به تهدید ایران پرداخت و سال ۱۹۹۵ را سال تصمیم گیری و اقدام علیه این تدارکات اعلام کرد.

این اظهار نظرها از سوی همراهِ است با بحث بر سر تمدید معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که اعتبار ۲۵ ساله آن سال جاری به اتمام خواهد رسید و از سوی دیگر همزمان است با تحرکات جدید دیپلماتیک در منطقه پیرامون روند‌های صلح خاورمیانه و رسیدن این روند به مراحل قطعی ترویزواضع خلیج فارس.

واقعیتی است که هر چند گاه بنا بر مصالح و اهداف سیاسی معین، از سوی دول بزرگ غربی بر خطر و برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی تبلیغ و تاکید ویژه‌ای صورت می‌گیرد و به بزرگ کردن این خطر و برنامه‌ها اقدام می‌شود. اما این نیز واقعیتی است که جمهوری اسلامی از دیرباز در رویای تجهیز به سلاح هسته‌ای است و شواهد بسیاری حاکی از این است که در این راه نیرو و سرمایه و افری نیز اختصاص داده شده است. این سیاست آشکارا در تقابل با منافع ملی ایران، در تقابل با موضع اصولی دفاع از منع گسترش سلاح‌های اتمی قرار دارد.

در جهان همبسته امروز بیست و نه ساله‌ها دارندگان سلاح اتمی، به هیچ وجه ایجاد گرمینت بیشتر برای کشورها نیست. دوران اتخاذ استراتژی توازن و حشمت به سر آمده و پناه بردن مجدد به آن تنها تکرار مضحک و در مقیاس کوچک یک تراژدی است. چنین استراتژی بیش از آن که تا مین کننده امنیت باشد دامن زدن به ناامنی و نزديك کردن خطر مهیب درگیری‌های هسته‌ای است. و در مورد حکومتی چون جمهوری اسلامی این خطر دوچندان است. تیغ دردست زنگی مست متضمن امنیت برای هیچ کس نیست. دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای با آن کارنامه سبیه در زمینه تشنج افرینی و تروریسم بین المللی، عدم پای بندی به موازین متعارف روابط بین دول و عدم ثبات سیاسی، برای آینده کشور ما بسیار مخاطره آمیز است.

مخالفت با برنامه‌های خطرناک این رژیم برای تجهیز به سلاح هسته‌ای، از اهم وظایف نیروهای دموکراتیک و مدافع منافع ملی ایران است.

اما همه این موارد به آن معنی نیست که ما اعتراض خود را نسبت به مواضع اسرائیل و تهدیدات آشکارا این کشور علیه ایران پنهان داریم. موضع مقامات اسرائیل و تهدیدات آشکارا این کشور علیه ایران به بهانه مقابله با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، یک موضع قلدرمناشه است و باید محکوم شود. اسرائیل که خود به سلاح هسته‌ای مجهز است حتی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضاء نکرده است، به چه حقی دیگران را سرزنش و تهدید می‌کند؟ سلاح‌های اتمی اسرائیل خود بهانه‌ای است که حکومت اسلامی و دیگر حکومت‌های منطقه را نیز به این راه خطرناک تشویق می‌کند.

دفاع واقعی از سیاست اصولی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای هیچ استثنایی ندارد و می‌بایست با پیگیری خواسخ سلاح عمومی و در گام نخست خلع سلاح منطقه‌ای همراه باشد. مبارزه با انحصار یک جانبه تملک سلاح اتمی توسط کشورهای همچون اسرائیل در منطقه و مقابله با این تبعیض نه از طریق تلاش متقابل برای تجهیز به این سلاح، که با کوشش برای تبدیل منطقه خاورمیانه به منطقه‌ای خالی از سلاح هسته‌ای معنا می‌یابد. سلاح هسته‌ای نه برای جمهوری اسلامی، نه برای اسرائیل و نه برای هیچ دولت دیگری در منطقه خاورمیانه، تنها این موضع، موضعی اصولی و مسئولانه است.

قتل عام مردم...

ادامه از صفحه ۱

جمهور آمریکا را تکرار کنند که مسئله چچن، یک مسئله داخلی روسیه است و مسکو محق است که نگذارد روسیه از هم بپاشد. اکنون برخی سیاستمداران غربی سخن از فشارهایی به میان آورده‌اند که باید برای پایان دادن به جنگ قفقاز به روسیه وارد آورد. اما هنوز هم این واکنش‌ها با ابعاد فاجعه‌ای که در قفقاز می‌گذرد، خوانایی ندارد. وقتی جمهوری‌های بالکان مطابق با حقوق بین الملل، بخشی از شوروی محسوب می‌شدند، گارباچف برای حفظ این موقعیت به واحدهای وزارت کشور (ونه ارتش) متوسل شد. اما این اقدام، که تلفات آن صدها بار کمتر از جنگ کنونی بود، آنچنان اعتراض یکپارچه و فشار سنگین غرب را برانگیخت که مسکو اندکی بعد ناچار شد جدایی جمهوری‌های بالکان را بپذیرد. وقتی سلوونی و کرواسی، جمهوری‌های غربی یوگسلاوی، اعلام استقلال کردند، غرب با شتاب آنها را به رسمیت شناخت و زمینه ساز جنگ چند ساله بالکان شد.

نکته مهم اینجاست که جنگ قفقاز بیش از آنکه در خارج از روسیه به متزوی شدن یلتسین بیانجامد، در داخل این کشور اعتراض و انزجار مردم و نیروهای اپوزیسیون را، از کمونیست‌ها گرفته تا نیروهای لیبرال، برانگیخته است. بی‌شک ابعاد این مقاومت، بیش از آن است که یلتسین پیش از دست یازیدن به این لشکرکشی تصور می‌کرد. اکنون ناظران می‌گویند احتمال پیروزی یلتسین در انتخابات آینده ضعیف شده است. بسیاری از نیروهای سیاسی، مانند کمونیست‌ها و گروه یاولینسکی سیاستمدار لیبرال، خواهان استعفا یلتسین شده‌اند.

تظاهرات کارگران و دانشجویان...

ادامه از صفحه ۱

تظاهرات دانشجویان

در تهران و شهر کرد.

نآرامی‌های دانشگاه‌های کشور که روز ۸ آبان با تظاهرات چندین هزار نفری دانشجویان دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر، علم و صنعت، ملی، تربیت معلم و... به اوج رسیده چنان ادامه دارد. این بار کانون تظاهرات دانشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده حقوق و دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و دانشگاه شهرکرد بود. اعتراضات با خواسته‌های صنفی آغاز شد و به درگیری دانشجویان با ماموران امنیتی و سپاه منجر گردید.

در شهر کرد دانشجویان سخنرانی رئیس دانشگاه را برهم زدند زبان سنگینی بردفتروی وارد ساختند. دانشجویان خواهان رسیدگی به کمبودهای آموزشی، رفاهی و تغییر مدیریت دانشگاه هستند. رئیس دانشگاه تلاش داشت با طرح وعده و دعوت آنان به آرامش مانع تظاهرات دانشجویان شود. تظاهرات دانشجویان با دخالت ماموران امنیتی به درگیری کشید و سه تن از دانشجویان بازداشت و به محل نامعلومی انتقال یافتند. در پی بازداشت دانشجویان توسط ماموران امنیتی، سایر دانشجویان دانشگاه با تعطیل کلاسهای درس خواهان آزادی فوری آنان شدند.

دانشجویان دوره شبانه دانشگاه ملی به وزارت فرهنگ و آموزش عالی تا روز ۱۸ آبان ماه فرصت داده‌اند که تصمیم خود مبنی بر افزایش شهریه تحصیل در دوره‌های شبانه را لغو

چرا کرملین به بهای این رسوایی، وارد ماجرای چچن شده است؟ پاسخ این سؤال را پیش از هر چیز باید در موقعیت روسیه به عنوان یک کشور چندملیتی و نیاز یلتسین به اینکه خود را ضامن حفظ یکپارچگی این کشور معرفی کند، جستجو نمود. رئیس جمهور روسیه در همه عرصه‌های مهم دیگر و به ویژه عرصه اقتصادی، کارنامه‌ای بسیار ناموفق دارد (اخیراً اعلام شد که تولید ناخالص ملی روسیه در سال گذشته نیز برای چندمین سال پیاپی، به شدت تنزل کرده است) و از این رو باید موقعیت‌هایی از نوع دیگر در توجیه اختیارات وسیعی که با قانون اساسی جدید به خود داده است، ارائه دهد. در این شرایط است که به یک باره، موضوع چچن که سه سال است اعلام استقلال کرده، عمده می‌شود و مسکو می‌گوید که باید «بانداهای مسلح را در چچن خلع سلاح کرد. در اینکه چهره‌هایی مانند دودایف از موقعیت آشفته شوروی سابق بیش از هر چیز برای تحکیم قدرت فردی خود استفاده می‌کنند، تردیدی نیست. دودایف در مقیاس کوچک، همان کاری را می‌کند که یلتسین در مقیاس کل روسیه کرد و مشابهان او در سایر جمهوری‌های سابق شوروی کرده‌اند: سوار شدن بر موج روحیات و احساسات ناسیونالیستی و مذهبی و جازدن خود به عنوان «تاجی ملت».

تفاوت دودایف با یلتسین و همدستانش در سایر جمهوری‌ها که اتحاد شوروی را منحل کردند، در این است که در آن زمان، نیروی کافی در مقیاس شوروی و جهان برای مقابله با یلتسین‌ها وجود نداشت و غرب نیز فروپاشی شوروی را به سود خود می‌دید، اما اکنون، حکومتی در مسکو وجود دارد که پس از هشتاد سال، دوباره به یاد منافع سلطه جویانه روسیه در حاشیه جنوبی امپراتوری خود افتاده است و این منافع را فارغ از محظوراتی که در طول هفتاد سال، آید تکنولوژی و مشی اعلام شده شوروی در قبایل ملل مستعمرات سابق ایجاد می‌کرد، علناً دنبال می‌کند. این منافع در قفقاز عبارتند از نفت و موقعیت سوق الجیشی. چچن بر سر راه لوله نفتی است که روسیه به آذربایجان پیشنهاد استفاده از آن را برای صدور نفت به غرب داده است. مسکو می‌خواهد به هر قیمت که شده، چچن را تحت کنترل خود نگه دارد تا هم نگذارد آذربایجان راهی دیگر برای صدور نفت خود بجوید و هم به همه ملت‌های دیگری که در چارچوب فدراسیون روسیه زندگی می‌کنند، بفهماند که دوره کوتاه حق تعیین سرنوشت به سر رسیده است و جدایی خواهی از این پس تحمل نخواهد شد.

رفتار مواضع جمهوری اسلامی نسبت به حوادث چچن بسیار احتیاط آمیز بود و از حد گلابه از کرملین تجاوز نکرد. آخوند هاصالح رابطه با کرملین و دریافت تجهیزات نظامی از روسیه ویدست آوردن دل روس‌ها برای تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر را بردفاع از مسلمانان چچن ترجیح دادند. پنجشنبه گذشته وزیر انرژی روسیه به تهران رفت و قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر را مقامات تهران به امضا رساند. با این همه فجایع انسانی که این روزها چچن شاهد آن است فارغ از این پیامد منفی نیز نیست که به گسترش بنیادگرایی اسلامی در منطقه میدان می‌دهد.

کند. در قطعنامه‌ای که به صورت طومار و با امضای دانشجویان دانشگاه ملی تهیه شده قید گردیده است چنانچه دستور افزایش شهریه ثبت نام تا روز ۱۸ دی ماه لغو نشود، دانشجویان این دانشگاه روز ۱۹ دی ماه ساعت ۱۱ صبح مقابل کتابخانه مرکزی دانشگاه ملی دست به تظاهرات خواهند زد. این طومار به امضای صدها تن از دانشجویان رسیده و دانشجویان دانشگاه‌های دیگر تهران از خواست آنان اعلام پشتیبانی کرده‌اند.

در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران دانشجویان با اجتماع در مقابل این دانشکده نسبت به اخراج دوتن از اساتید خود اعتراض کردند. یکی از دانشجویان در گفتگو با خبرنگار روزنامه سلام گفت: هدف ما اعتراض به روند اخراج اساتید و جونا مطلوب علمی است که در دانشکده به وجود آمده است. این اقدام اعتراضی دانشجویان همزمان با مراسم تودیع غلامعلی افروز رئیس سابق دانشگاه تهران بود و تا پایان مراسم تودیع و معارفه روسای قبلی و جدید دانشگاه تهران ادامه یافت.

دانشجویان پس از راهپیمایی در محوطه دانشگاه تهران با قرائت یک قطعنامه ۶ ماده‌ای خواستار توقف روند حذف اساتید، بازگشت اساتید اخراجی و فراهم آوردن محیط مناسب برای امکان تضارب آراء و افکار بدروزاز جنجال شدند.

دکتر افروز در جریان مراسم تودیع خود هنگامیکه صدای اعتراض دانشجویان را شنید گفت: اساتیدی که این دانشجویان از آنها حمایت می‌کنند، صلاحیت‌شان از سوی «گزینش مرکزی استاد» مردود شناخته شده و در نتیجه حکم اخراج آنها از سوی دانشگاه ابلاغ شد. وی گفت یکی از این دو استاد سابقه مارکسیستی دارد.

دو هفته بعد، دانشگاه تهران شاهد تظاهرات دانشجویان دانشکده علوم پزشکی بود.

دانشجویان رشته فیزیک در دانشکده پزشکی با گرد همایی در مقابل ساختمان دانشکده و سخنرانی خواستار رسیدگی به وضع فارغ التحصیلان این رشته شدند. افزایش سرسام آور آمار بیکاری در میان فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها، حتی دانشجویان رشته‌هایی را که تاکنون نسبت به آینده خود کمتر دغدغه داشتند، دچار نگرانی عمیق کرده است.

وزیر فرهنگ و آموزش عالی

با بدبرکنار شود

در تهران صدها تن از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس علیه سیاست‌های جدید وزارت فرهنگ و آموزش عالی دست به تظاهرات زدند. روز دوشنبه ۵ دی ماه دانشجویان تربیت مدرس از حضور در کلاسهای درس خودداری کردند و پس از اجتماع در مقابل ساختمان دانشگاه و اطراف آن به راهپیمایی اعتراضی پرداختند.

فرمانده‌وده افسر...

ادامه از صفحه ۱

پرداختند. دانشجویان ناراضی با مشت‌های گره کرده علیه گلابیگانی وزیر فرهنگ و آموزش شعار می‌دادند. آنان خواستار برکناری وزیر فرهنگ و آموزش عالی و لغو تصمیمات اخیر این وزارتخانه مبنی بر تغییر اساسنامه دانشگاه تربیت مدرس و عزل و نصب‌های جدید در مدیریت این دانشگاه هستند.

بر اساس یکی از مفاد طرح تغییر اساسنامه دانشگاه و گذاری بورس تحصیلی به دانشجویان قطع می‌شود و دولت تعهدی برای استخدام آنان به عهده نمی‌گیرد.

با بازتاب گسترده اعتراض دانشجویان وزارت فرهنگ و آموزش عالی اعلام کرد که این وزارتخانه درخواستهای دانشجویان را مورد بررسی قرار خواهد داد. در اطلاعیه روابط عمومی وزارت فرهنگ و آموزش عالی که به همین منظور انتشار یافت تاکید گردید که این وزارتخانه درخواستهای منطقی دانشجویان را که مغایر با قانونی نداشته باشند مورد توجه قرار می‌دهد. در این اطلاعیه درواکنش نسبت به راه‌پیمایی و تظاهرات دانشجویان آمده است: دانشجویان نباید پیشنهادات خود را با اتهام و الفاظی که مغایر شأن دانشجویان مسلمان باشد بیامیزند و انتظار می‌رود که سخنان منطقی خود را با روشهای اصولی و قانونی مطرح کنند.

از زمان آغاز سال تحصیلی جاری دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس تهران و دیگر شهرها علنا رودر روی رژیم ایستاده‌اند. دولت تاکنون به تعهدات خود در قبال فارغ التحصیلان این دانشگاه اقدام نکرده است.

روزنامه جمهوری اسلامی:

دانشگاه‌ها را تصفیه کنید!

برای مقابله با گسترش اعتراضات دانشجویی روزنامه جمهوری اسلامی در شماره اخیر خود خواستار حمایت از ادامه فعالیت ارگانهای امنیتی از جمله هسته‌های گزینش و افزایش اختیارات آن شده است. هسته‌های گزینش «از سال ۵۹ پس از به اصطلاح انقلاب فرهنگی که به سرکوب خونین دانشجویان و بسته شدن دانشگاه‌ها منجر شد، بوجود آمدند تا دانشجویان و استادان غیر حزب الهی را از محیط دانشگاه تسویه کنند. توسط هسته‌های گزینش ده‌ها هزار دانشجو و استاد به جرم دگراندیشی از ادامه تحصیل و تدریس محروم شدند. رژیم ابلهانه برای گمان بود که با تسویه دانشجویان و تسلط بر دانشگاه‌ها دیگر میان دانشگاهیان کسی علیه حکومت آخوندها قد علم نخواهد کرد و ندای آزادخواهان و روشنگران دانشگاه‌ها به گوش کسی نخواهد رسید. برخلاف تصور حکومت استبدادگر و علم ستیز روز بروز صدای اعتراض دانشجویان و استادان رساتر می‌شود.

گرمای گرم جنگ ایران و عراق به فرماندهی نیروی هوایی بر گمارده شده بود. وی پس از پایان جنگ بازسازی و نوسازی نیروی هوایی و احیای توان نظامی آن را هدف مقدم اعلام کرد و خریدهای تسلیحاتی کلان و از جمله جت‌های جنگنده پیشرفته از روسیه را در این رابطه به اجراء آورد.

سقوط کرد و همه ۶۰ سرنشین آن در دم جان باختند. در مورد علت سقوط این هواپیما هنوز هم از سوی مسئولان جمهوری اسلامی توضیح قانع کننده‌ای ارائه نشده است. انفجار و خرابکاری احتمالی است که رژیم با قطعیت بیشتری از آن سخن می‌گوید و در این رابطه تاکنون ۷ نفر را هم دستگیر کرده است. تیمسار ستاری از سال ۱۳۶۵ و در

اطلاعیه ۱۸۰ تن از زندانیان سیاسی سابق ایران

درباره مرگ نابهنگام

علی اکبر سعیدی سیرجانی

ما از طریق رسانه های خبری جمهوری اسلامی، از خبر تأسفانگیز مرگ سعیدی سیرجانی در زندان آن رژیم مطلع شدیم. نحوه اعلام مرگ این نویسنده ایرانی علت مرگ رادرهاله ای از ابهام قرار داده است. ناسازگاری که به هنگام دستگیری این نویسنده از طرف رژیم به او نسبت داده شد، انگشت اتهام را مستقیماً متوجه مسئولین جمهوری اسلامی می سازد. با توجه به فضای مشابیه که علیه امضا کنندگان بیانیه مشترک ۱۳۴ نویسنده ایرانی در داخل کشور در دفاع از حق آزادی بیان و اندیشه مبارزه علیه سانسور، از طرف رژیم ساخته می شود، بیم آن می رود که سرنوشتی مشابه در انتظار عدای از آنها باشد.

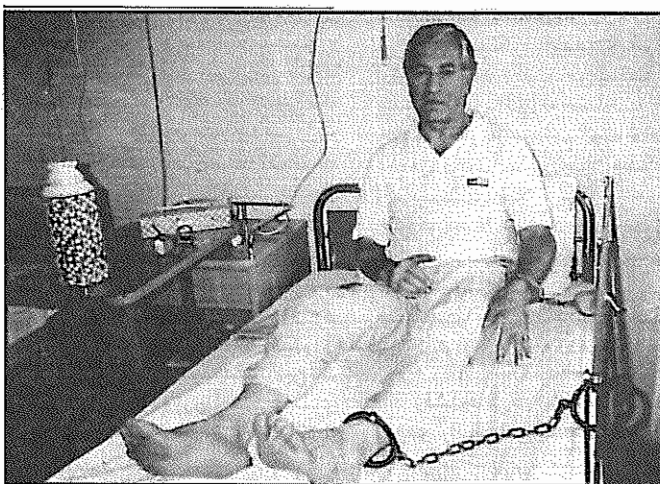
تجربه پانزده ساله جمهوری اسلامی نشان داده است که این رژیم نه فقط در برخورد با مخالفین سیاسی خود، بلکه حتی با کسانی که به نحوی با آنها همفکری نداشته اند، ابتدائی ترین موازین حقوقی و انسانی را زیر پا گذاشته است، و با نسبت دادن انواع دشنام ها، نظیر "معتاد"، "جاسوس"، "لواط کار"، "بدکار"، "هرزه"، "قمار باز" و غیره تا حد بی اخلاقی محض پیش رفته است. ما که خود سال های طولانی قربانی ستمگری های این رژیم استبدادی ویا رژیم پیشین بوده ایم، با مضمون این نوع اتهامات بی پایه و پرونده سازی ها آشنا هستیم و آنرا محکوم می نمایم، ما ضمن تسلیت به خانواده سعیدی سیرجانی، خواهان تحقیق درباره چگونگی مرگ این نویسنده ایرانی، از طرف یک مرجع صلاحیت دار بین المللی، نظیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، سازمان عفو بین الملل و صلیب سرخ جهانی هستیم. آزادی اندیشه و بیان، حق اولیه هر انسان، هر نویسنده و هر هنرمندی است که می خواهد آزادانه بیان پیدا کند و آزادانه بنویسد.

ابراهیم آزاد - حسن آزاد فر - محمد آزاد گر - آذر آل کنعان - فرج آلیاری - شکوفه ابراهیم زاده - محمد باقر ابراهیم زاده - یوسف احدی - صنوبر احمدی - فریدون احمدی - اردشیر ارجمندی - یوسف اردلان - یاور استوار - بهمن اسدی - عباس اشراقی - اکبر اصل فلاح - محمد اعظمی - اقبال اقبالی - رضا اکرمی - محمد رضا آردبیلی - اکبر میرزاد - فریدون انجمنی - ایرج انصاری - محمد صادق انصاری - رحیم انصاری لاری - حسین انور حقیقی - عباس انور حقیقی - ابراهیم آوخ - اصغر ایزدی - محرم ایمازی - حسن برادران - یدالله بلدی - احمد بنا ساز زوری - ناصر بنائی - کمال بهادری فر - محمود پروانه - خسرو پرویزی - حسن پوررضا خلیق - تقی تام - علی توکلی - میترا تاهامی - خسرو ثبئی - علی جالی نوسی - حسن جعفری - ولی الله جعفریان - فرشته جلیلی - منصور جلیلی - فردوس جمشیدی - رودباری - مسعود جنت - آذر جوانشیر - محمد ابراهیم جوهری - حسین جهانگیری - حیدر جهانگیری

پاسداران دفتر منتظری را...

ادامه از صفحه ۱
تعطیل کنند. رژیم برای جلوگیری از بروز درگیری میان حزب الله و نیروهای منتظری از صبح شنبه پاسداران را به محل اعزام کرد و ما موران انتظامی را

عباس امیرانتظام در بیمارستان زندان



عکس فوق عباس امیرانتظام، قدیمی ترین زندانی سیاسی جمهوری اسلامی را در بیمارستان زندان اوین نشان می دهد. این عکس توسط کمیته دفاع از امیرانتظام در اختیار رسانه ها، عفو بین الملل و سایر سازمان های بین المللی حقوق بشر قرار گرفته است. این کمیته همه ایرانیان و سازمان های بین المللی را برای آزادی امیرانتظام به تلاش مشترک دعوت کرده است.

روزنامه سلام در آستانه تعطیلی

روزنامه سلام چاپ تهران در شماره ۷ دی ماه ۷۳ با ابراز نگرانی نسبت به تداوم انتشار این روزنامه اطلاع داد که از روز یکشنبه ۱۱ دی ماه این روزنامه به جای ۱۶ صفحه در ۸ صفحه چاپ خواهد شد. سلام علت کاهش صفحات خود را کمبود سهمیه کاغذ ذکر کرد و یاد آور شد و نوشت: از آغاز اجرای برنامه اقتصادی مبنی بر سیاست تعدیل و اقتصاد دپازار و نظام جدید عرضه و تقاضا، مطبوعات نیز برای بقای خود وارد میدان جدیدی از نبردها شدند. امروز مساله ماندن و چگونه

تشکیل سازمان جدید...

ادامه از صفحه ۱
آن انتشار نامه هایی از سوی برخی فرماندهان ارتشی بروز کرد. تشکیل این سازمان هدفی جز تحت فشار قرار دادن بیشتر نظامیان و کنترل نارضایتی و نافرمانی در میان آنان ندارد. تا کیدات محمد یزدی در این مورد که وظیفه ارتشیان اطاعت و پاسداری از نظام اسلامی است،

رژیم برای سرکوب بیشتر...

ادامه از صفحه ۱
دیگری شوند و هم چنین ایرانیان خارج از کشور که علیه "اسلام" دسیسه کنند، از جمله مصوبه های کمیسیون امور قضایی مجلس است. قبلاً نیز در فاصله ای کوتاهی بعد

جشن بیست و چهارمین سالگرد جنبش فدایان خلق

برنامه های هنری توسط هنرمندان مشهور:

عارف - شوان - فرشته
و گروه رقص های ایرانی

زمان: شنبه ۱ فوریه ۱۹۹۵
محل: آلمان - بن

BEUEL-BRÜCKEN FORUM
FRIEDRICH-Breuer-Str. 17

بیانیه همبستگی

با مردم و نیروهای مترقی و آزاد یخواه ایران

به دعوت حزب مترقی زحمتکش قیام (اکل) و حزب کمونیست یونان میزگردی تحت عنوان "نیاز به اشتراک عمل نیروهای مترقی، میهنی و چپ در شرایط نوین" با حضور برخی از احزاب کارگری، کمونیستی و مترقی منطقه در شهر لارنکا در قبرس برگزار شد. شرکت کنندگان نشست قبرس ضمن اعلام همبستگی با مبارزات مردم و تمام نیروهای دموکراتیک و مترقی ایران، با توجه به وقایع اخیر در کشورمان در بیانیه ای مشترک رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر "کارزار سیستماتیک آزار و اذیت علیه روشنفکران به خصوص پس از انتشار بیانیه ۱۳۴ نفر محکوم کردند. متن کامل بیانیه:

بر اساس گزارش هایی که اخیراً به ما رسیده است، جمهوری اسلامی کارزار نوینی از سرکوب را علیه اعتراض های اوج گیرنده مردمی در درون کشور آغاز کرده است. از یک سو، ما از مرگ ناگهانی سعیدی سیرجانی، نویسنده و شاعر ایرانی در زندان جمهوری اسلامی مطلع شدیم و از سوی دیگر اخبار نگران کننده ای از یک کارزار وسیع و سیستماتیک آزار و اذیت علیه ۱۳۴ نویسنده، شاعر و متفکر ایرانی، که اخیراً نامه ای در اعتراض به سانسور و اختناق و به رسمیت شناخته شدن صنفی شان به مقام های جمهوری اسلامی نوشته بودند، مطلع گردیدیم. ما همچنین با نگرانی اخبار تشدید عملیات نظامی در مرزها، خصوصاً علیه مردم کردستان و نیروهای مترقی این نواحی را دنبال می کنیم. ما احزاب و سازمان های امضا کننده این بیانیه، رژیم ایران را به خاطر این موج نوین ترور و سرکوب شدیداً محکوم می کنیم، و

حکومت توپ خالی...

ادامه از صفحه ۱
افزوده است. تقریباً همه دارندگان آنتن های ماهواره فی در بدو خرید دستگاه هایشان مطمئن بوده اند که رژیم دیرپا زود، هراسان از تهاجم فرهنگی اجانب به تصویب چنین لایحه ای دست خواهد زد و از این رو برای مقابله با آن پیشاپیش آمادگی داشته، تدابیری اندیشیده اند. اخبار رسیده حاکی است که پس از تصویب این لایحه، مردم راه استنثار و اختفا و نه جمع کردن آنتن ها را در پیش گرفته اند، چرا که می دانند که ما موران انتظامی رژیم جز موارد معدودی که به قصد انتقام جویی از مخالفان سرسخت و زهر چشم گیری از دیگران صورت می گیرد، در شرایط و مختصات کنونی، به رغم تمایلات باطنی شان، اصولاً توان تجاوز به حریم خانواده هادرمقیاس گسترده را ندارند. به این ترتیب یک کالای ممنوعه ای دیگر بر فهرست بلند اینگونه کالاها افزوده شد. شکی نیست که این کالاها مانند هزاران نوع دیگر از کالاها "قاجاق"، باز هم به ایران وارد و در کشور توزیع و مصرف خواهند شد و این امر شبکه های مافیایی کشور را داخل و خارج حکومت بیش از پیش تقویت و تحکیم خواهد کرد؛ آنچه برای مردم می ماند افزایش یک عرصه ی دیگر جنگ و گریز در موش و گربه بازی مداومی است که میان آنان و مسلط شدگان بر سرنوشتشان هرروزه جریان دارد

اطلاعیه انجمن پژوهشگران ایران

انجمن پژوهشگران ایران، در پی سلسله کنفرانسهای خود تحت عنوان ایران در سال ۲۰۰۰ چهار کنفرانس را در روزهای ۱۲ تا ۱۵ بهمن، با همکاری دانشگاه لندن، مرکز تحقیقات و مطالعات خاورمیانه، برگزار می نماید:

۱- نهضت ملی و آینده آن در سال ۲۰۰۰

۱۲ بهمن ۷۳-۱ فوریه ۹۵
 با شرکت: حسین لاجوردی، مهرداد ارفع زاده، منصور بیات زاده، علی راسخ، دکتر داور پناه، احمد طهماسبی و حسین ملک.

۲- جنبش چپ و آینده آن در سال ۲۰۰۰

۱۳ بهمن ۷۳-۲ فوریه ۹۵
 با شرکت: فریدون خاوند، بابک امیر خسروی، منوچهر ثابتیان، بیژن حکمت، مهدی خانبابا تهرانی، مهرداد درویش پور، علی کشتگر، فرخ نگهدار.

University of London
 Thornhaugh Street, Russell Square
 LONDON WC1H 0XG

رفسنجانی: تغییر قانون اساسی به مصلحت نیست

این روزها در صحنه سیاسی ایران شاهد شکست و عقب نشینی های پی در پی سران حکومتی می باشیم. در همین ماه گذشته بود که خامنه ای رهبر رژیم بوسیده و فعلاً کنار بگذارد. هفته ای پیش هم پارغارد پرویزین خامنه ای، یعنی رفسنجانی ناچار شد صریحاً اعلام کند که خواهان تصدیق پست ریاست جمهوری برای یک دوره دیگر و تغییر قانون اساسی برای رسیدن به این مقصود نیست. این نظر در پایان یک دور زور آزمایی از سوی مهاجرانی معاون حقوقی رفسنجانی از یک سو و ناطق نوری، گردانندگان روزنامه های سلام و بسیاری دیگر از سوی دیگر بیان شد. مهاجرانی بازنده ای این کارزار استعفا ی کتبی خود را به رفسنجانی تحویل داده است که مورد موافقت وی قرار نگرفته است. رفسنجانی برای جواب گویی به این قضایا و ابراز نظرات خودش در یک مصاحبه ای تلویزیونی شرکت کرد. در جواب این سؤال که مسئله ای انتخابات ریاست جمهوری و تغییر قانون اساسی را

رفسنجانی در این مصاحبه در باره ی رابطه اش با خامنه ای و مجلس نیز اشاراتی داشت: در مورد رهبری چون ما خاستگاه کارمان و دوره ی مسئولیت هایمان با هم بوده و خیلی نزدیک تر نظر اتمان با هم، به طور طبیعی هم آهنگ هستیم نه اینکه تحمیل کنیم بر خودمان. شاید از صد موضوعی که مطرح می شود در ۹۵ تا آن واقعاً به طور طبیعی یک جور فکری کنیم. در مورد مجلس هم باز یک مقدار مسائل فردی و شخصی مؤثرند. واقعاً با مجلس هیچ مشکلی نداریم.

خبرهای کوتاه

ایجاد فرستنده های جدید رادیو و تلویزیونی

محمد سرفراز معاون سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی در امروبرون مرزی اعلام کرد که بزودی ۴ فرستنده ی رادیویی، مناطق جدیدی از جهان را تحت پوشش صدای جمهوری اسلامی قرار خواهند داد. او گفت که از سال آینده، دو فرستنده ی جدید سیمای عربی و یک برنامه ی تلویزیونی ترکی استانبولی نیز راه اندازی خواهد شد. در حال حاضر ۱۹ برنامه ی رادیویی و دو شبکه ی تلویزیونی جمهوری اسلامی برای خارج از کشور برنامه تهیه و پخش می کنند. مجموع زمان پخش برنامه های رادیویی برون مرزی، روزانه ۶۴ ساعت و ۴۲ دقیقه است که طولانی ترین آن ها به مدت ۱۶ ساعت، مربوط به برنامه ی عربی می باشد.

اعزام دانشجویه خارج با هزینه شخصی

بر اساس آیین نامه ی جدید وزارت فرهنگ و آموزش عالی کسانی که علاقمند به ادامه ی تحصیل در مقاطع کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) و دکتراد خارج از کشور می باشند، در صورت قبول شدن در آزمون اعزام و داشتن مدرک کارشناسی می توانند با هزینه ی شخصی به خارج اعزام شوند. این آیین نامه در ۱۰ ماده و ۸ تبصره تنظیم شده است که از جمله مواد آن سپردن تعهد خدمت در داخل و دادن وثیقه ی ملکی است. در مقابل قول تسهیلات زیر به دانشجویان داده شده است: کسب معافیت تحصیلی در دوره ی ادامه ی تحصیل، ایجاد تسهیلات برای گرفتن گذرنامه، کمک در اخذ ویزای تحصیلی، اخذ مجوز خروج از کشور به دفعات، صدور مجوز ارسال ارز از کانال معتبر بانکی و به تعویق انداختن انجام تعهدات مربوط به استفاده از تحصیل را بگاز.

اختلال در حمل بسته های پستی

هواپیمایی جمهوری اسلامی از چند هفته اخیر از حمل بسته های پستی خودداری کرده است. مسئولین شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی اعلام کرده اند که وزارت پست و تلگراف از فروردین ماه گذشته بدیهی های خود را به این شرکت نبرداخته است و تا زمانی که این بد همکاری ها پرداخت نشود شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی از حمل محموله های پستی خودداری خواهد کرد.

۴۳ درصد جمعیت کمتر از ۱۵ سال

به گزارش روابط عمومی مرکز آمار ایران ویراساس نتایج آمارگیری سال ۱۳۷۲، ۵۷/۷ درصد جمعیت کشور در نقاط شهری و ۴۲/۳ درصد در نقاط روستایی سکونت دارند. از جمعیت مزبور ۵۱/۲ درصد مرد و ۴۸/۸ درصد زن هستند. توزیع جمعیت بر حسب گروه های سنی نشان می دهد که ۴۲/۸ درصد در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال و ۳/۸ درصد بالای ۶۴ سال قرار دارند. مطابق این آمار از جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور ۷۷ درصد باسواد هستند.

بودجه ی تحقیقات علمی ناچیز است

دکتر فریدون عزیزی مشاور تحقیقاتی و پژوهشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در نشست با استادان دانشکده ی پزشکی فاطمی قم، از کمبود بودجه ی تحقیقات علمی دانشگاه ها انتقاد نمود. وی اعلام کرد که در ایران تنها ۲ درصد بودجه ی دانشگاه ها صرف تحقیقات علمی می شود، در حالی که در دانشگاه های معتبر دنیا، این میزان بین ۳۰ تا ۴۰ درصد بودجه ی آن ها می باشد.

سؤال از وزیر پست و تلگراف و تلفن

نمایندگان مجلس شورای اسلامی از شهرهای خمین، قم، دامغان و شیراز، غرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن جمهوری اسلامی را، در ارتباط با علت افزایش تعرفه های پستی خارجی، مورد سؤال قرار دادند. غرضی در پاسخ خود، علت افزایش قیمت را مربوط به نوسانات نرخ ارز دانست و اظهار کرد که وزارت خانه ی تحت مسئولیتش ۳۲ میلیون دلار ریات حق ترانزیت به کشورهای خارجی پرداخت کرده است که این مقدار در مقابل میزان طلب ها از آن کشورها رقم سنگینی است.

سفیر ایران در کوبه تهران فراخوانده شد

علی اصغر نهبوندیان سفیر رژیم در جمهوری آذربایجان، ۶ ماه قبل از پایان مأموریتش به علت دایر کردن شرکت های تجاری گوناگون به نام وابستگان خود و مشارکت گسترده در داد و ستد های بازرگانی این جمهوری با سوء استفاده از موقعیت خود، به منظور جلوگیری از رسوایی بیشتر رژیم فاسد جمهوری اسلامی، زود تر از موعد مقرر به تهران فراخوانده شد.

صدور اجازه ی انتشار سه نشریه ی جدید

هیئت نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی، در جلسه ی اخیر خود، با انتشار سه نشریه ی جدید موافقت کرد. این نشریات عبارت اند از: هفته نامه ی "پیام ورزش"، روزنامه ی "بشارت" که قرار است در استان های آذربایجان شرقی و غربی فعالیت داشته باشد و ماه نامه ی "دیدگاه های حقوقی" که صاحب امتیاز آن، دانشکده ی علوم قضایی خواهد بود.

رویدادهای ورزشی

داریوش مصطفوی:

در ۵ سال اخیر شکست های زیادی متحمل شده ایم



آیا علی پروین باز می گردد؟

علی پروین



داریوش مصطفوی

در این رابطه شایعه بازگشت پروین به سمت مربیگری تیم ملی قوت گرفت. پروین خود این احتمال را رد نکرد و گفت: بعد از آمدن مصطفوی در راس فدراسیون فوتبال، او چند بار از من دعوت کرد تا مسئولیتی را در فوتبال به عهده بگیرم، اما هر بار به خاطر تردید هایی که داشتم طفره رفتم. من شرایطی دارم که اگر این خواسته ها تأمین شود، حاضریم با تمام وجود در اختیار تیم ملی باشم. اگر قرار باشد دوباره به میدان بازگردم، کار را از پایه شروع می کنم، در های فوتبال را برای چند سال می بندم و آن را در هیچ مسابقه بین المللی شرکت نمی دهم و بعد از آن یک تیم قدرتمند در سطح آسیا رومی کنم. من قول می دهم دوباره فوتبال ایران را به عنوان قدرت درجه یک آسیا مطرح کنم.

شرکت سایپا، ناصر صیرفی (رئیس بیمارستان آپادانا) محسن صفایی فراهانی (عضو هیات مدیره توسعه نیشکر)، حسن مقتدایی (نماینده آبادان در مجلس)، حسن قشقاوی (نماینده شهریار در مجلس). مصطفوی برای هدایت کشتی به گل نشسته فوتبال ایران سعی کرده یا مجبور شده ترکیبی از مکتبی ها و مدیران موسسات خصوصی را به عنوان کادر رهبری فوتبال ایران برگزیند، از هم اکنون می توان سرنوشت چنین انتخابی و نتایجی را که برای فوتبال ایران خواهد داشت، پیش بینی نمود. رئیس فدراسیون فوتبال در مورد انتخاب مربی تیم ملی گفت: هنوز کسی را به عنوان مربی تیم بزرگسالان انتخاب نکرده ایم.

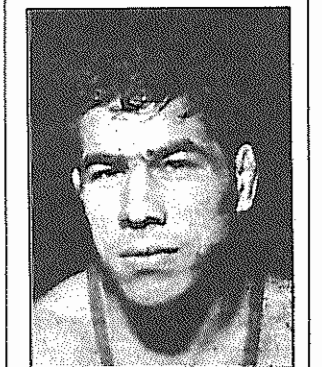
بیشتر می روند، کمتر می آیند

علی دایی بهترین مهاجم فوتبال کشورمان به یک تیم دسته دومی ایتالیایی بر زبان هاست. دلان کویتی در تهران در به در دنبال شکار بهترین فوتبال لیست های ایرانند. در مسابقات باشگاهی کویت امروزرضا حسن زاده، صمد سرفاوی، شهرام عطار زاده و ابراهیم تهامی توب می زنند. علی اکبریان نیز عازم کویت است.

اواسط دهه پنجاه برای اولین بار در تاریخ فوتبال کشورمان، تیم پرسپولیس دوبار لیگ انگلیسی را به استخدام خود آورد. این اقدام که نخستین گام در راه حرفه ای شدن فوتبال ایران بود بی گرفته نشد. پس از انقلاب فوتبال لیستهای برجسته ای چون حسن روشن، عبدالرضا برزگری، ابراهیم قاسم پور، حسن نظری، حسین فرکی با مهاجرت و عضویت در باشگاه های امارات به زندگی ورزشی خود ادامه دادند. بعد تر در سالهای ۶۰، قطر شاهد هنر نمایشی ناصر محمد خانی، امیر قلعه نوعی، حمید درخشان، حمید فرزام نیا و دیگران بود. در روزهای اخیر شایعه پیوستن

سالگرد مرگ تختی

۲۶ سال از مرگ پهلوان غلام رضا تختی گذشت. مرگ ناگهانی تختی که تا کنون نیز از موفق ترین، مشهورترین و محبوب ترین ورزشکاران میهن ماست موجی از خشم و اندوه در میان مردم برانگیخت. هیچکس باور نکرد که



تختی، پهلوان مهربان و سرشار از شور زندگی به زندگی خود پایان داده باشد. هزاران هزار ایرانی با حضور در مراسم به خاک سپاری وی احترام خود به پهلوانشان را عیان کردند. و هنوز هم نام ویاد تختی، یاد گرمی قهرمانی محبوب در ذهن مردم ما حاضر است.

سیستم دو حذفی، قانون جدید در کشتی

از این پس مسابقات کشتی آزاد و فرنگی با سیستم دو حذفی برگزار خواهد شد. فدراسیون بین المللی کشتی (فیلا) طی ابلاغیه ای به فدراسیون کشتی ایران خواستار جاری شدن سیستم دو حذفی از آغاز سال ۱۹۹۵ شد. تا کنون در مسابقات کشتی، یک کشتی گیر پس از شکست از دو مسابقات حذف می شد.

در اظهار نظر اکثر کارشناسان پیرامون قانون جدید، این نکته برجسته است که سیستم دو حذفی به نفع تیم های قوی تر و از جمله تیم ملی کشتی کشورمان در مسابقات بین المللی خواهد بود. امیر حمیدی عضو کمیته تحقیقات فدراسیون جهانی کشتی در مورد قانون جدید گفت: بر اساس قانون قبلی، کشتی گیرانی که پس از دو روم با شکست مواجه می شدند از ادامه رقابت با بازی ماندند که این امر بر سطح کیفی رقابت ها تا ثیر منفی

قرارداد نفتا و آینده اقتصادی قاره آمریکا

در آخرین روزهای پایانی سال ۹۴، به دعوت دولت آمریکا، سران ۳۴ کشور و قاره آمریکا در میامی واقع در ایالت فلوریدا ایالات متحده گرد آمدند و توافق کردند که در راه ایجاد یک بازار مشترک گام بردارند. این نخستین اجلاس بدین وسعت بود که سران کشورهای نیم کره غربی از ۲۷ سال پیش بدین سو تشکیل داده اند. در این نشست آمریکا پیشنهاد کرده که حوزه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) که در حال حاضر از ایالات متحده، کانادا و مکزیک تشکیل شده است، به سراسر قاره آمریکا گسترش یابد. در حال حاضر، قاره آمریکا که طبق بیانیه میامی، تا سال ۲۰۰۵ میلادی به یک حوزه تجاری واحد تبدیل خواهد شد، ۸۰۰ میلیون نفر جمعیت و تولید ناخالص سالانه ای معادل ۸۰۰۰ میلیارد دلار دارد. قرارداد سه جانبه زودی به عنوان عضو چهارم حوزه تجاری آزاد، به نفتا پیوسته. کشورهای شرکت کننده در اجلاس میامی می خواهند ظرف ۱۸ ماه آینده، ۲۳ قرارداد تجاری موجود بین کشورهای آمریکای لاتین را از لحاظ انطباق این قراردادها با اصول حاکم بر حوزه تجاری آینده کل آمریکا مورد بررسی قرار دهند. درباره قرارداد نفتا که گسترش آن به سراسر قاره آمریکا اکنون در چشم انداز قرار گرفته است، مقاله ای توسط یکی از همکاران نشریه "کار در آمریکا" تهیه شده است که بخش نخست آنرا در این شماره می خوانید. این مقاله چندین ماه پیش تهیه شده، با این همه مندرجات آن هنوز قابل استفاده است. بخش پایانی مقاله را در شماره آینده خواهید خواند.

پارلمان کانادا را در اختیار دارد، اعلام کرده بود که قرارداد نفتا، در شکل فعلی آن، مورد قبول نبوده و می باید اصلاح گردد. موضع جدید حزب لیبرال، مورد تأیید حزب نشود مگر آنکه مواضع بسیار نزدیکی با احزاب سوسیال دموکرات اروپا دارد. قرار گرفته بود. در ایالات متحده، موضع گیری بخش ها و اقشار طبقاتی مختلف، موجب سردرگمی بسیاری از کسانی گردید که ماهیت قرارداد جدید نفتا را درک نکردند. شکل سنتی خط کشی های حزبی و نمایندگان کنگره آمریکا، معمولاً درقبال چنین مسائلی، بطور عموم، حمایت یکپارچه از طرف حزب جمهوری خواه و مخالفت تعداد زیادی از نمایندگان عضو حزب دموکرات می باشد. لیکن با قبضه نمودن کاخ سفید، پس از دوازده سال حکومت جمهوری خواهان، توسط حزب دموکرات و حمایت کلیتون و کابینه او از قرارداد نفتا که استخوان بندی آن در زمان ریاست جمهوری جرج بوش بسته شده بود، حزب دموکرات و نمایندگان آن در کنگره را بر سر دو راهی قرارداد.

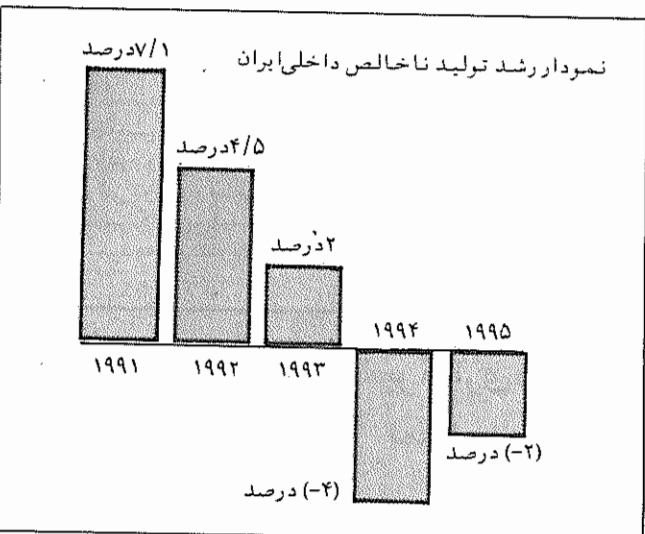
حزب دموکرات که متشکل از اعضای با گرایش های اجتماعی- طبقاتی ناهمگون است، معمولاً تضادها و جانبداری های طبقاتی مختلف اش را در موضع گیری های ناهمگون نمایندگان کنگره در کنگره آمریکا بر سر تصویب لوائح مختلف آشکار می سازد. طیف ناهمگون حزب دموکرات، از سویی دربر گیرنده بخش های وسیعی از کارتل های نفتی و تجاری می باشد و از سوی دیگر بخش وسیعی از کشاورزان، کارگران و اقشار مختلف طبقاتی میانی را در خود جای داده

گردد. نکته قابل توجه در مورد تصویب نفتا و همچنین سخن رانی های آنتین بعضی از نمایندگان مخالف نفتا را لزوماً نباید با یکسان بودن عمومی نظرات و فلسفه های این نمایندگان با پیشوایان عمده مخالف نفتا که بیشتر از طرف اتحادیه های کاریگری سراسری آمریکا مطرح شد در نظر گرفت. برای درک بهتر اینکه چرا موافقین نفتا نتوانستند اکثریت رای را در کنگره بدست آورند، لازم است که استخوان بندی قرارداد نفتا مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس این قرارداد، تعرفه های گمرکی که بین آمریکا، کانادا و مخصوصاً مکزیک وجود دارد در طول زمانی کوتاه، می بایست با برطرف گردد و یا به میزان چشمگیری کاهش یابد. بر این اساس، تغییرات زیر در بین شرایط فعلی روابط بازرگانی آمریکا و مکزیک و شرایط بعد از نفتا، می بایست به عمل آید. ۱- تعرفه های گمرکی: در حال حاضر تعرفه های گمرکی که مکزیک بر کالا های وارداتی اعمال میکند حدود ۲۰ درصد است لیکن تعرفه کالا های آمریکائی، بطور متوسط ۱۵ درصد می باشد، در مقابل، آمریکا بطور متوسط حدود ۴ درصد، بر کالا های مکزیک تعرفه اعمال میکند. لیکن این تعرفه برای کالا های از قبیل آب پرتقال، کنسرو ماهی و وسائل ورزشی بیشتر می باشد. بعد از ایجاد درآمد نفتا در نفتا هر سه کشور موظفند که تعرفه های گمرکی بعضی از کالا ها را فوراً به صفر برسانند. این در حالی است که تعرفه برای بعضی دیگر از کالا ها در طول پنج تا ده سال، به صفر خواهد رسید. ناگفته نماند که تعرفه های گمرکی بر روی کالا های آمریکائی در طول پانزده سال به صفر خواهد رسید.

۲- مسائل ماشینی: الف- کانادا و آمریکا: بر اساس قرارداد ۱۹۸۹، تعرفه ای بر وسائل ماشینی تعلق نمی گیرد. ب- مکزیک و آمریکا: ایالات متحده بر ماشین آلات و قطعات ماشینی ساخته شده در مکزیک ۱۵ درصد تعرفه نمی بندد. در مقابل، تعرفه اعمال شده از سوی مکزیک بر ماشین آلات وارداتی ۲۰ درصد می باشد. همچنین در مورد اتوموبیل، بر اساس قانون مکزیک، در مقابل هر اتوموبیل وارداتی، دواتوموبیل، می بایست در بازار خارجی فروش برسد. همچنین حداقل ۳۴ درصد قطعات بکار برده شده، در اتوموبیل های ساخته شده در مکزیک می بایست تولید داخلی مکزیک باشد. بعد از قرارداد نفتا، ایالات متحده، تعرفه ۱۰ درصدی اعمال شده بر کالا ها را از بین خواهد برد. در مقابل دولت مکزیک، تعرفه ۲۰ درصدی اش را به نصف تبدیل میکند و ۱۰ درصد باقی مانده را برای کامیون های سبک، در پنج سال و برای اتوموبیل، در طول ده سال، از میان ببرد. در مقابل دولت مکزیک، تعرفه ۲۰ درصدی اش را به نصف تبدیل میکند و ۱۰ درصد باقی مانده را برای کامیون های سبک، در پنج سال و برای اتوموبیل، در طول ده سال، از میان ببرد. این قانون همچنان سیر کاهشی طی خواهد کرد تا اینکه بطور کلی در سال ۲۰۰۳ کاملاً از میان برداشته شود. ۳- انرژی: در حال حاضر بر اساس قانون اساسی مکزیک، سرمایه گذاری خارجی در امر نفت و گاز که در دست دولت است منع

پیش بینی اکونومیست درباره وضع اقتصاد ایران در سال ۱۹۹۵

سالنامه مجله معتبر اکونومیست هر ساله ضمن گزارش وضع اقتصاد تک تک کشورهای جهان، اقتصاد آنها در سال آتی را نیز مورد ارزیابی قرار می دهد. درباره ایران این سالنامه ارزیابی زیر را دارد: تولید ناخالص داخلی: ۹۳۱/۲ تریلیون ریال برابر با ۲۹/۱ میلیارد دلار. تولید ناخالص داخلی سرانه ۴۴۰ دلار. جمعیت ۶۶/۱ میلیون؛ درصد رشد ۳/۴. رشد تولید ناخالص داخلی: ۱۹۹۴ (-۴ درصد)؛ ۱۹۹۵ (-۲) درصد. نرخ تورم: سال ۱۹۹۴ - ۲۰ درصد؛ سال ۱۹۹۵ - ۱۴/۳ درصد. رئیس جمهور رفسنجانی به ریاست جمهوری ادامه خواهد داد،



و سپس در طول شش سال آینده، آن را به مقدار بسیار ناچیزی تقلیل خواهد داد. ۷- ترابری و حمل و نقل: شرکت های حمل و نقل کالا، در شرایط حاضر، از حقوق بسیار ناچیزی برای عبور از مناطق مرزی بین ایالات متحده و مکزیک برخوردارند. بر اساس قوانین فعلی، کامیون های حامل کالا های بین المللی می بایست در مناطق مرزی بار خود را تخلیه کنند تا مورد تفتیش قرار گیرند که خود باعث اتلاف وقت و پول می شود. همچنین مسافرین خارجی حق عبور از مرزهای دو کشور را با اتوبوس ندارند که این به نوبه خود باعث محدودیت در درآمد شرکت های اتوبوس رانی می گردد. با قرارداد نفتا، بین المللی را حمل میکنند تا سال ۱۹۹۹، محدودیت های شان ملغی خواهد گردید. در ضمن محدودیت بر شرکت های اتوبوس رانی از بین خواهد رفت. ۸- مخابرات: دولت مکزیک، برنامه دروازه های باز را با صدور اجازه سرمایه گذاری های خارجی در امر مخابرات شروع کرد با این محدودیت که دولت مکزیک مالکیت ۴۹ درصد از کل سرمایه های فعال در قسمت مخابرات را دارا باشد. هر سه کشور کانادا، مکزیک و ایالات متحده حقوق خدمات اولیه را برای شرکت های داخلی شان حفظ کرده اند. با قرارداد نفتا، بیشتر محدودیت های سرمایه گذاری در امر مخابرات در سه کشور از بین خواهد رفت و استانداردهای یکسان و مشابهی در سه کشور بکار گرفته خواهد شد. ۹- سرمایه گذاری: هر چند که دولت مکزیک، راه را برای

سرمایه گذاری های خارجی در سالهای اخیر تسهیل نموده است، لیکن هنوز محدودیت های مقرراتی خاص بر وجود سرمایه های خارجی اعمال میکند. در عین حال، با آنکه دولت مکزیک سالهاست که مالکیت هیچ گونه سرمایه خارجی را سلب نموده است، معهداتی قانونی در محافظت از سرمایه های خارجی در شرایط حاضر، چندان نیرومند نبوده، و ضمانت های قانونی مکفی وجود ندارد. با قرارداد نفتا، هر گونه تبعیض بر علیه سرمایه های خارجی کشورهای عضو محیط فعالیت آنها از بین خواهد رفت و منافع حاصله به راحتی قابل انتقال خواهد گردید. همچنین دولت مکزیک، بدون پرداخت عادلانه به صاحبان سرمایه، حق تصاحب سرمایه های خارجی را نخواهد داشت. ۱۰- محیط زیست: تحت شرایط حاضر، مکزیک با مشکلات عدیده و بزرگی در امر پاکیزگی محیط زیست روبرو می باشد. تنها در مرزهای تکراس و مکزیک که نزدیک به ۱۵۰۰ مایل می باشد چندین میلیارد دلار هزینه پاکسازی تخمین زده میشود. با برقراری قرارداد جنبی نفتا در امر پاکیزگی محیط زیست، کمیسونی مرکب از نمایندگان سه کشور، نظارت بر بکارگیری امور و قوانین پاکیزگی محیط زیست را بر عهده خواهد گرفت. تحت این قوانین، چنانچه کشوری این قوانین و شرایط را زیر پا بگذارد با جریمه های مالی و اقتصادی روبرو خواهد گردید. در این مورد، ایالات متحده و مکزیک، هفت میلیارد دلار هزینه به امر پاکسازی مرزهای مشترک اختصاص خواهند داد.

ادامه دارد

سی و پنجمین سالگرد خاموشی نیما



صبح وقتی که هوار روشن شد
هر کسی خواهد دانست و بجا خواهد آورد مرا
که در این پهنه و آب
به چه ره رفتم و از بهر چه ام بود عذاب؟

۱۷ دی، ۳۵مین سالگرد خاموشی انسانی است که شعر معاصر ایران با نام نامی او گره خورده است، شاعری که تلاشهای آغاز شده از انقلاب مشروطیت در راستای تحول شعر پارسی را اوجی نوین بخشید و بر رکود ورختی که این شعر را از دوران حافظ به بعد، تدریجاً به انحطاط کشانده بود نقطه پایان نهاد. با نیما بود که گریبان شعر پارسی از جنگ نظام عروسی و صورت‌ها و قالب سنتی نسبتاً رها شد و این درک رواج یافت که شعریت هر شعر نه باریک و قافیه بلکه با ذهنیت و بینش شاعرانه نهفته در آن سنجیده شود. آنچه که نیما به انجامش کوشید نه تنها انقلاب در فرم و بیان شعر بلکه اشاعه درکی نوین از ماهیت و مضمون آن و نیز نگاهی پویا و متفاوت به هستی و نمودهای متفاوت آن در شعر بود.

برگزاری هفته نمایش ایرانی

تئاتری هم هست... هدف هفته تئاتر ایرانی جستجوی همین پل (بین هنرهای نمایش شرق و غرب) است و گروه‌های نمایشی ایرانی شرکت کننده در هفته تئاتری در این راه می‌کوشند تا آنکه دنیا قابل تحملتر شود، نه آنکه از سوی فرهنگ و مذهب و نژادی تحمیل تر شود! گروه‌های هفته‌گانه‌ای که در جشنواره به هنر نمایی پرداختند، عبارت بودند از: گروه تئاتر نالت، گروه تئاتر رز، گروه تئاتر SPIELBALL، گروه تئاتر عروسکی زنگوله، گروه تئاتر سکوت، گروه رقص مژگان، گروه رقص بهار.

برنامه‌ها و نمایش‌های جشنواره مورد بازدید بیش از پانصد نفر قرار گرفتند و اخبار و تصاویر آن در روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون‌های محلی ایرانی و آلمانی بازتاب چشمگیری یافتند. انجمن فرهنگی نوا نیز با نوازی موسیقی خویش برنامه‌های افتتاحیه و اختتامیه جشنواره را شور و حالی ویژه بخشید. هفته نمایش ایرانی با اجرای نمایش "کمدی ایرانی" و با قدرتی از گروه‌های شرکت کننده و دیدار کنندگان و به امید برگزاری موفق تر آن در سال آینده به پایان رسید.

انتشار شماره اول "دفتر شناخت"

"دفتر شناخت" نام فصلنامه جدیدی است که شماره اول آن به همت منوچهر سلیمی و پیمان وهاب زاده با پیاز امسال در کانادا انتشار یافته است. در پیشگفتار (علم، فلسفه، تفکر، هنر...) "دفتر شناخت" به عنوان نشریه‌ای یاد شده که می‌خواهد حامی کل دانش (علم، فلسفه، تفکر، هنر...) در برابر یک تازی و قدر قدرتی علم مبتنی بر اثبات منطقی باشد و بر آن است که صفحاتی خود را به مسایل جامعه و توسعه، حقوق بشر، فرهنگ و ادبیات اقتصادی دهد. شعری با نام کولی (ناصر امیری)

رادیو فرانسه: می‌دانیم که "مانویسنده" ایم "با اینکه اگر اشتباه نکنم در هیچ یک از روزنامه‌های فارسی رسمی ایران انعکاس نیافت و کنش‌های نسبتاً پرهیاهویی را برانگیخت. انگیزه و هدف نوشتن نامه چه بود و این نامه در پاسخ به چه نیازی و خطاب به چه کسی نوشته شد؟

براهنی - من فکر می‌کنم یکی از مشکلات اصلی نویسندگان ایران در طول این ۲۵ سال گذشته، از زمانی که کانون نویسندگان تشکیل شده، مسئله برخورد با سانسور بوده است. به همین دلیل در مقاطع مختلف نویسندگان ایران سعی کرده‌اند این مسئله را به صورت دسته جمعی عنوان بکنند، به دلیل هریک از این‌ها (هرکس) به صورت خصوصی با این مسئله برخورد خاص خودش را بی‌شماری روزنامه‌نگار شریف در ایران هستند که حتماً ما دعوت می‌کردیم از آنها که امضاء بکنند. ما در اینجا نویسنده را به طور اخص تعریف کردیم که کیست، نویسنده، شاعر و رمان‌نویس، نمایشنامه‌نویس، سناریونویس، منتقد، محقق، مترجم و این قبیل اشخاص. کسانی که به طور کامل سروکارشان مقداری با کار خلاقه است و یک مقدار هم با کار تحقیق روی مسایل خلاقه. به همین دلیل گروه ۸ نفره به نظر من کاملاً یک کار دمکراتیک انجام داده و موقعی که یکی از نویسندگان ما اصرار داشت حتماً

سردیوش شعر نیما شاعران پر ارج و گرانمایه‌ای همچون فروغ، اخوان، شاملو... فراروییدند و تلاشهای پیروشی که یک‌تنه در برابر پاسداران سنت و سکون ایستاده بود راه چنان اوجی کشانند که شعر نو به بخش جدایی‌ناپذیر از حیات فرهنگی جامعه بدل شد و آینه‌ای گشت که تسلیهای پیاپی توانستند رنجها، تاثرات و آمل خویشتن را در آن بازبینند.

سردیوش اسمش در داخل این متن بیاید این به اکثریت آرا رد شد و ایشان گفت که در صورتیکه شما اسم ایشان را نگذارید منم اسم خودم را می‌گیرم که ما گفتیم این جریان را به گروه مشورتی دوباره برگردانیم، که مناسفانه با عقب نشینی خود آن شخص تهدید می‌کرد که گروه بود مسئله منفی‌شد و در نتیجه کار گروه ۸ نفره به درمورد هیچ‌چیز تقصیری نداشته. درمورد اینکه بعضی‌ها پس گرفتند و بعضی‌ها ممکنست بعداً پس بگیرند، در هر جمع ۱۳۴ نفره موقعی که پیش می‌آید طبیعی است که بعضی یا تحت فشار یا با در نظر گرفتن اینکه زندگیشان از پاره‌ای لحاظ، با تهدید و خطر مواجه شوم ممکنست که امضا خود را پس گرفته باشند ولی این قبیل حرف‌ها که مثلاً ما یادداشت راقیل از اینکه به روزنامه‌های ایران بفرستیم به خارج فرستادیم که من دیدم یکی از امضاکننده‌ها این را عنوان کرده بود و بر اساس آن پس گرفته بود، این کذب محض است. به دلیل اینکه روزی که ما تصمیم گرفتیم نامه را بخش بکنیم این را برای در حدود ۴۰ تا ۴۵ روزنامه ایرانی فرستادیم و تازه بعد از یک

می‌کشیم مکانیزم سانسور در ایران از بین برود

رضایراهنی

انتشار متن "ما نویسنده ایم" که در اعتراض به سانسور و محدودیت‌های موجود در زمینه اندیشه و بیان و در راه تدارک ایجاد کانون صنفی نویسندگان صورت گرفت همچنان موضوع بحث محافل اجتماعی و هنری ایران است. کوشش دستگاه‌های تبلیغاتی حکومت اسلامی برای مخدوش و بی‌اعتبار ساختن این سند همان‌گونه که قابل پیش‌بینی هم بود با شکست مواجه شده و حتی سوء استفاده از اظهارات پاره‌ای از افرادی که امضای خویش را پس گرفته‌اند نیز توانسته است بر این شکست سربوش گذارد. منفی‌ترین و غرض‌آلودترین نکته در برخورد رسانه‌های حکومتی با متن مذکور عدم چاپ آن و خودداری از بازتاب نظرات مدافعانش و در عین حال به راه انداختن جار و جنجال و سرازیر کردن سیلی از تهمت و افترا علیه امضاکنندگان آن بوده است. دکتر رضایراهنی شاعر، نویسنده و منتقد معاصر و از بنیانگذاران کانون نویسندگان در سال ۱۳۴۷ که از کوشندگان تهیه و انتشار متن "ما نویسنده ایم، و از جمله امضاکنندگان آن بوده است در سفر اخیر خود به پاریس در مصاحبه‌ای با بخش فارسی رادیو فرانسه به تشریح انگیزه انتشار این متن و واکنش‌هایی که در قبال آن صورت گرفته و نیز به توضیح گام‌ها و اقدامات بعدی پرداخت. در زیر قسمت‌هایی از این مصاحبه را می‌خوانید

هفته بود که به جاهایی که در خارج نوشته شده بود که باید فرستاده بشود. فرستادیم. این مسئله که نوشته نویسنده‌ها در خارج از آن سروصدا به پا کرده و فرض کنید که نباید سروصدا به پا می‌کردند، این امر تا طبیعتاً ما پیدا نمی‌کنیم برای اینکه ما در آنجا نوشته بودیم که ما این راه را به انجمن قلم جهانی خواهیم فرستاد و خوب طبیعی است که آن ۸ نفر آن را برای انجمن قلم جهانی ارسال کردند. این وظیفه‌ای بود که بوسیله گروه مشورتی که جمعاً حدود ۲۵ تا ۳۰ نفر بودند و اولین پاراف کنندگان متن ۱۳۴ نویسنده هستند برعهده آنها گذاشته بودند.

رادیو فرانسه - گام‌های بعدی نویسندگان در ایران چگونه خواهد شد؟
براهنی - مسئله اصلی این است که گاهی در ایران گفته شده که اصلاً این ۱۳۴ نفر بعضی‌ها نشان نویسنده داشته ولی برخورد عام و برخورد صنفی با این قضیه از سال ۱۳۴۷ شروع شد و در مقاطع مختلف حرکت، خودش را به صورت جمعی نشان داد و این حرکتی که برای (نوشتن) متن ۱۳۴ نویسنده شده و ۱۳۴ نفر آن را امضا کردند، یکی این است که حتماً نویسندگان در شرایط جدید تعریف بشود که به طور کلی نویسندگان چه کاره است. دوم اینکه مشخصات اصلی کارها یکدیگر است می‌کند - مخصوصاً ۸۷ کاری که ما آنجا نوشته ایم چیست؟ در عین حال

رسانه‌های گروهی غرب یافته و همچنین به شیوه‌های غیردموکراتیکی که در نحوه جمع‌آوری امضاء گویا به کار رفته است اظهار ناخشنودی کرده‌اند. نظر شما در این مورد چیست؟

براهنی - من معتقدم اولاً هیچ‌گونه کار غیردموکراتیکی نشده، یکی از کسانی که می‌خواست حتماً اسم یکی از روزنامه‌نگاران در متن بیاید، اما ما از ابتدا هم گفته بودیم که روزنامه‌نگارها می‌توانند خودشان موسسه و گروه صنفی خاص خودشان را داشته باشند که کسی کاری بکارشان طبیعی است نخواهد داشت ولی اگر قرار بود که ما از روزنامه‌نگاران امضا بگیریم تعداد هم نیستند. خوب به نظر من اولین کاری که باید بشود، فهرست خیلی خیلی دقیقی از آنها را این ۱۳۴ نفر باید تدوین بشود و بیرون بیاید. و فکر می‌کنم این کار بزودی صورت بگیرد. در عین حال گفته شده که حرکت ۸ نفر دمکراتیک نبوده. گزارش گروه ۸ نفره به گروه مشورتی در همان روزهای آخر داده شده و همه اعضا گروه مشورتی آن را تایید کرده‌اند. طبیعی است که گزارش ۸ نفره و گروه مشورتی در ایران و جاهای دیگر حتماً توزیع خواهد شد. طبیعی است که ما می‌خواهیم حالا که به طور کلی با مسئله سانسور برخورد کردیم، قدم بعدی ما این باشد که کوشش کنیم که تک تک کتابهایی که تا حال اجازه انتشار پیدا نکرده، اینها انتشار پیدا کنند. کوشش ما این خواهد بود که مکانیزم سانسور در ایران به طور کلی از بین برود و برای این کار من فکر می‌کنم که (البته من اینجا عقاید خودم را بیان می‌کنم و به عقاید ۱۳۴ نفره آن صورت کاری ندارم) اگر مکانیزم‌های سانسور در ایران از بین برود یک جمیع بزرگتر که جمع مشورتی خوانده می‌شد کارشان را تمام کردند، توزیع نامه و گرفتن امضاها را به آنها محول کردند و آنها با پشتکار تمام با تماس گرفتن با نویسندگان و شاعران مختلف سعی کردند که امضاهایشان را بگیرند و نهایتاً نامه را نخست در ایران و در حدود ۶-۷ روز بعد از آن فرستاده خارج از ایران تا اینکه در جاهای دیگر بخش بشود. هنوز متأسفانه هیچ‌کدام از روزنامه‌های بزرگ ایران و مجلات مختلف متن نوشته را چاپ نکرده‌اند و گرچه گهگاه اشاراتی شد و گاهی در روزنامه مخصوصاً کیهان اشارات فوق العاده ناچوری نسبت به نامه صورت گرفته است.

پس از انتشار نامه برخی از نویسندگان با اشاره به انعکاسی که این خبر در کشور فیلمساز به دلیل وجود سانسور ممنوع شده به نمایش درمی‌آیند و فیلم‌های فیلمسازان تبعیدی دیگر کشورها در بخش "سینماگران تبعیدی" نشان داده خواهد شد. سخنرانی در باره جنبه‌های مختلف سینمای تبعیدی نیز از دیگر برنامه‌های جشنواره خواهد بود. در مورد تعداد فیلم‌هایی که هر فیلمساز می‌تواند به جشنواره بفرستد محدودیتی وجود ندارد. کمیته‌ای این فیلم‌ها را بررسی و برای نمایش انتخاب خواهد کرد. به لحاظ فنی فیلم‌هایی پذیرفته می‌شوند که ویدئویی و یا در قطع ۱۶ و یا ۳۵ میلیمتر باشند و صدای آنتیک یا مگنت داشته باشند. برای دریافت برگ درخواست شرکت در جشنواره و اطلاعات جامع‌تر درباره آن می‌توان با دفتر جشنواره در گرتنبرگ با نشانی زیر تماس گرفت:

FRIFILM, BOX 8003
42108V. FROLUNDA
SWEDEN

دومین جشنواره سینمای ایران در تبعید دنیا خانه من است

تبعید و تبعید در تاریخ، آرشیوی از فیلم‌های تبعیدی فراهم آورد... جشنواره آتی شامل بخش‌های اصلی، ویژه، مسابقه و جنبی خواهد بود. بخش اصلی به نمایش فیلم‌های ساخته شده توسط فیلمسازان ایرانی در خارج از کشور اختصاص دارد. در بخش ویژه آثاری به نمایش درخواهد آمد که مضمون آنها به جنبه‌های گوناگون زندگی کودکان پناهنده مربوط باشد. بخش مسابقه ویژه نمایش تجربه‌های نخست فیلمسازان جوان ایرانی و ارزشیابی کار آنان از سوی یک هیئت داور است. بخش جنبی جشنواره "ممنوعه‌ها" و "سینماگران تبعیدی جهان" را شامل می‌شود که در بخش "ممنوعه‌ها" فیلم‌هایی از فیلمسازان ایرانی و خارجی که نمایش آنها در

پس از نخستین جشنواره سینمای ایران در تبعید که با حضور ۳۳ فیلمساز ایرانی و نمایش ۶۵ فیلم کوتاه و بلند و با کیفیتی در خور رضایتبخش، در اکتبر سال ۹۳ در "کار" شماره ۷۲ به چاپ رسید، اینک کمیته برگزارکننده در تدارک آن است که دومین جشنواره را با نام "دنیا خانه من است" در فاصله ۱۴ تا ۱۵ اکتبر ۹۵ برگزار نماید. این کمیته در همین رابطه فراخوانی انتشار داده که در آن اهداف و مقررات جشنواره نیز برشمرده شده‌اند. در مقدمه فراخوان آمده است: "تجربه جشنواره اول وجود نزدیکی‌ها و اشتراک مسائل میان فیلمسازان تبعیدی از یک سو و افزایش روزافزون شمار پناهندگان در سطح جهانی از سوی دیگر، ضرورت ادامه کار جشنواره را در ابعادی همگانی‌تر پیش کشیده است. از این رو در جشنواره دوم در کنار آثار فیلمسازان ایرانی، آثار فیلمسازان تبعیدی دیگر کشورها را نیز به نمایش خواهیم

خشونت و علل گرایش افراد، گروه‌ها و دولت به کاربرد آن موضوع میزگردی بود که در شماره مهرماه ۷۳ ماهنامه جامعه سالم چاپ شده است. به دلیل محدودیت صفحات نشریه "کار" این میزگرد در دو بخش به چاپ خواهد رسید.

ماهنامه جامعه سالم در اهمیت پرداختن به موضوع خشونت و بررسی علل گرایش به آن می‌نویسد: یکی از وجوه بارز جامعه ما خشونت است. در جامعه ما "دیگری" نادیده گرفته می‌شود و مورد تجاوز قرار می‌گیرد. این دیگری از همسر و فرزندان شروع می‌شود تا بزرگترین دشمنان فردی و یا اجتماعی خاتمه می‌پذیرد. شاید حتی پایدانی برای آن نباشد. قرن‌ها است انسان می‌کوشد ابزار خشونت را از دست دولت‌ها بگیرد ولی هنوز در همه جا موفق نشده است، حق این است بگوئیم در کمتر جایی موفق شده است. دولت‌ها می‌کوشند، مردم را به رفتار مسالمت‌آمیز تشویق کنند، اما رطب خورده منع رطب چون کند؟

موقعیت‌های خاصی باعث تشدید خشونت می‌شوند، از جمله در جامعه‌ای که عدالت اجتماعی به حداقل برسد، ابتکار، خلاقیت و نیروی کار مفید بی‌ارزش جلوه کند و در یک کلام انسان از ارزش واقعی خود سقوط کند. در عین حال به دلایلی خشونت پرزنان در طول تاریخ که ما داریم، بیش از خشونت‌های دیگر به چشم می‌خورد.

به طور خلاصه خشونت از همه‌گیرترین رفتارهای ناپهناچار اجتماعی است. کوشش برای از بین بردن چنین بلیه‌ای با یاستی فراگیر، مداوم و همه‌را با تغییرهای مهم در روابط و حتی ساختار اجتماعی باشد. یک رستاخیز اخلاقی اجتماعی یا کاری بزرگ با نامی دیگر در ذهن شکل می‌گیرد، هنگامی که اثر خشونت تا این حد وسیع و عمیق حس می‌شود.

به دلیل خشونت آشکاری که در عمده جوامع بشری از جمله جامعه ما ایران به ویژه نسبت به زنان و کودکان وجود دارد، ماهنامه جامعه سالم در یک میزگرد با شرکت خانم‌ها دکتر فاطمه قاسم زاده، دکتر شهلا اعزاز، دکتر فرشته شاه حسینی، گیتی پورفاضل، مهین خدیوی، دکتر نصرت صفی‌نیا و آقای دکتر علی حصوری، موضوع خشونت را در زمینه‌های مختلف به بحث گذاشت.

جامعه سالم: چون صحبت راجع به خشونت است، ابتدا تعریفی از خشونت بشود.

دکتر فرشته شاه حسینی: خشونت ورزی را می‌توان به عنوان حمله فیزیکی و روانی تعریف کرد. یعنی یک عمل پر خاشاکانه توسط شخص یا گروهی علیه شخص یا گروه دیگر.

خشونت فیزیکی از قتل کودک و زن هست تا ابرازات تعاشقات بدنی عناد آمیز، یعنی خشونت با زبان و بدن و خشونت روانی از جمله شامل تحمیل عقاید فرد به دیگران است و احترام نگذاشتن به فردیت دیگران و تجاوز کردن به فضای روانی دیگران. با این وصف شکل ظریف تری از خشونت در جمع وجود دارد و آن عبارت است از خشونت ورزی انفعالی و عدم درگیری در مسایل و مشکلات دیگران.

جامعه سالم: یعنی تعریف شما آن خشونت را که غیر عمد انجام می‌شود هم در بر می‌گیرد.

خشونت،

بحثی در علل و ابعاد

ماهنامه جامعه سالم - مهرماه ۱۳۷۳



دکتر شاه حسینی: بله.

چون اکثر افراد به خاطر تربیتی که شده‌اند (چون خشونت ورزی هم یک امر اکسایبی است) بدون اینکه فکر نکنند، خشونت برایشان امری عادی است و اصلا متوجه این نیستند که دارند خشونت به کار می‌برند و این کم کم جزو فرهنگ و شخصیت افراد یک ملت در می‌آید، بدون اینکه مورد سوال قرار بگیرد.

جامعه سالم: عواملی که باعث می‌شوند در فرد یا اجتماعی خشونت بیشتری بروز کند کدام است؟

گیتی پورفاضل: به نظر من عدم تربیت صحیح خانوادگی از عوامل مهم است که این هم بر می‌گردد به وضع اقتصادی بد و نداشتن رفاه نسبی. از همین رو می‌بینیم که خشونت در طبقات پایین بیشتر به چشم می‌خورد. هر چه میزان تحصیلات بالاتر برود مقدار خشونت کمتر می‌شود.

مهین خدیوی: من علت خشونت را در بی‌عدالتی و نابرابری می‌بینم. نمونه‌اش قوانین مربوط به زنان در جامعه ماست که بطور ناخوایسته می‌تواند زمینه فرهنگی خشونت را در خانواده و اجتماع فراهم کند. دیگر اینکه وقتی جامعه‌ای ثبات و تعادل نداشته باشد، پر خاشاک‌تری بیشتر می‌شود. وقتی که جامعه ما از نظر فرهنگی، اجتماعی و حقوقی، زنان در یک معیار و چهارچوب خاصی قرار می‌گیرند، این عاملی می‌شود برای بروز خشونت و افزایش پر خاشاک‌گری.

دکتر نصرت صفی‌نیا: من هم معتقدم که بی‌عدالتی سبب خشونت می‌شود. وقتی ظرفیت بردباری یک نفر تمام می‌شود، پر خاشاک‌گری شروع می‌شود. حالا این ظرفیت بردباری می‌تواند هم اجتماعی باشد، هم تربیتی، یعنی از هر جهت ممکن است در جامعه پیش بیاید. من با نظر خانم پورفاضل که می‌گویند تحصیلات وقتی بالا می‌رود پر خاشاک‌گری کم می‌شود، مخالفم. در تحصیل کرده‌ها به صورت دیگری بروز داده می‌شود.

دکتر علی حصوری: در واقع در یک جامعه نابرابر انعکاس جرایم هم نابرابر است.

دکتر قاسم زاده: در جوامع شرقی و در سطوح پایین فرهنگی، نوع خشونت که ابراز می‌شود ممکن است خیلی خشن و خیلی عریان و آشکار باشد ولی این بدان معنا نیست که در جوامع پیشرفته تر با فرهنگ بالاتر خشونت نباشد، بلکه نوع و شیوه آن فرق می‌کند.

اما علت خشونت: اینجا به طور خلاصه به دو نظر مهم در روانشناسی اشاره می‌کنم. گروهی از روانشناسان که بیشتر غریزه گرایان

من هم می‌گویم این کار درست است. یک اشاره هم به رسانه‌ها بکنیم که خشونت خانوادگی در رسانه‌ها به کرات دیده می‌شود. این دو نهاد خشونت را بصورت عمومی به جامعه ارائه می‌دهند و اگر قبول داشته باشیم که خشونت هم یک رفتار فرا گرفته اجتماعی است، بچه ما هم در خانواده هم در مدرسه و هم تا حدودی در رسانه‌ها خشونت را فرامی‌گیرد.

دکتر شاه حسینی: من فکر می‌کنم خشونت ورزی محور هسته سیستم مردسالاری و پدرسالاری است. هم در قلمرو خصوصی که خانواده باشد اعمال می‌شود هم در قلمرو عمومی و محل کار هم در قلمرو سیاست‌های جهانی. در خانواده زنان تحقیر می‌شوند، مشت و لگد وسیلی می‌خورند و سر و صورت آن‌ها بریده می‌شود، خفه می‌شوند، مورد تجاوز جنسی فرامی‌گیرند (در چهارچوب ازدواج)، مورد عمل لواط قرار می‌گیرند، ناقص می‌شوند یا به قتل می‌رسند. این نکته که برای تراژدی‌ها چشم پوشی می‌شود و به عنوان اعمال پر خاشاکانه و حشتناک به حساب نمی‌آیند، این نشان می‌دهد که قلب‌ها و افکار مردم تا الان چقدر آسیب دیده و معیوب شده است یعنی یک جور حالت کرختی پیدا کرده‌ایم. در قلمرو عمومی زندگی اجتماعی، در سیاست و روابط اجتماعی هم خشونت ورزی رواج دارد به خصوص از طرف مرد‌ها به زن‌ها. در سطح جهانی، دنیا هم با تسلیحات نظامی اداره می‌شود و هم با تسلیحات روانی. تسلیحات روانی شامل روحیه تجاؤزگری، مردانگی، طرز تفکر مکانیکی و نهاد‌های دیگری که نظام پدرسالاری و مردسالاری برای حفظ قدرت خود، قتل و جرح و مرگ و تخریب به کار می‌برد. مساله رابطه بین خشونت ورزی و مردانگی بسیار عمده است. یعنی وقتی می‌گوئیم خشونت ورزی هسته مرکزی سیستم مردسالاری و پدرسالاری است به این معناست که، مردانگی و خشونت یکی است. یعنی در جوامع بشری وقتی هر مرد طوری تربیت می‌شود که خشونت ورزی را با مردانگی در حیطه خصوصی و زندگی اجتماعی یکی می‌گیرد نتیجه آن این است که در سطح سیاست عمومی که آن هم تحت سلطه مرد‌هاست همین حالت

هستند و پیرو مکتب فروید، معتقد هستند که خشونت و پر خاشاک‌گری غریزی است. نقطه مقابل این نظریات میان مکاتب مختلف به طور عمده رفتار گرایان هستند که معتقدند ما خشونت را هم مثل بقیه رفتارها یاد می‌گیریم. من خودم هم این نظر را دارم و معتقدم که خشونت غریزی نیست و ما یاد می‌گیریم. نکته‌ای را که خانم پورفاضل اشاره کردند درست است: ما واقعا در خانواده‌هایی که محوریت اقتصادی دارند بیشتر با بزهکاری برخورد می‌کنیم برای این که همان فشارهای اقتصادی خودش عاملی می‌شود برای این که خشونت را تشدید کند. همین طور از نظر فرهنگی، هرگاه شیوه‌هایی که برای بچه‌ها به کار برده می‌شود خشونت در آن نباشد طبیعا بچه از خشونت بری است. یک عامل دیگر در جامعه است، چون جامعه ابعاد وسیعتری دارد و قوانین و مقرراتی دارد که می‌تواند باعث خشونت شود. و دیگر موسسات آموزشی است که بچه‌ها بیشتر با آن سرو کار دارند، مثل مدارس. به نظر من اکثر مدارس، خودشان کانون خشونت هستند از تحقیر، مقایسه و سرزنش گرفته تا تنبیهات بدنی که در مدارس پسرانه فراوان است.

دکتر اعزاز: خشونت در جامعه ما در ابعاد متفاوتی دیده می‌شود. یک بعد خشونت بعد خصوصی خانوادگی است. مثلا خشونت مرد روی زن. خشونت همیشه با یک اقتدار همراه است، یا اقتدار بدنی یا اقتدار سازمانی. در خانواده مرد روی زن و فرزند، و زن و مرد مرد روی کودک اقتدار دارند پس خشونت در خانواده‌ها هم زنان را در بر می‌گیرد هم کودکان را. متأسفانه وضع کودکان خیلی بدتر است چرا که زنان می‌توانند به جایی رجوع کنند یا شکایت کنند. همان طور که خانم دکتر قاسم زاده هم اشاره کردند، هر چند که آموزش و پرورش در بخشنامه‌ها تنبیهات بدنی را منع کرده، اما تنبیه بدنی به کرات دیده می‌شود. نمی‌توانم بگویم چقدر؟ چون اخبار خشونت در روزنامه‌ها کم منعکس می‌شود اما لا اقل سه چهارم بریده از جرایم دارم که مثلا ضربه‌ای با شلنگ به چشم بچه زده شده و او را کور کرده است، معلمی یا مدبری ناخن بچه‌ای را کشیده است و... عیب خشونت در مدارس این است که رفتار خشونت آمیز را عمومی می‌کنند یعنی چیزی که من در خانواده انجام می‌دهم و ممکن است به خاطرش شرمسار باشم وقتی می‌بینم یک نهاد بزرگ جامعه مثل آموزش و پرورش رفتاری شدید تر از من با بچه‌ها دارد

مثلا در سال ۱۹۷۷ هنری کیسینجر، خطاب به کنگره آمریکا گفته بود که "ایالات متحده با ندادن کمک نظامی به آنگولا خودش را اخته خواهد کرد". به هر حال به نظر من جنگ چیزی جز گسترش سیاست استعماری، انقیاد فرهنگ زنانه توسط فرهنگ مردانه و انقیاد فرهنگ‌های ملی مردانه ضعیف تر توسط فرهنگ‌های قوی تر نیست. مرد‌ها شرطی شده‌اند که در جنگ طلبی‌های و وطنپرستانه خود، هدف نظامی بیگانه رازنا نه بینند، مثلا در ماجرای گروگان گیری، کارکنان سفارت آمریکا در ایران، شعار "ترتیب ایران را بدهیم" در آمریکا بسیار رایج بود و یا وقتی جانسون رئیس جمهور سابق آمریکا دستور بمباران پایگاه‌ها، قایق‌ها و مخزن‌های نفتی ویتنام شمالی را می‌دهد به خبرنگاران می‌گوید: من نه تنها ترتیب هوشی‌مین را دادم که آلتش را هم بریدم. پدرسالاری نظامی است که هویت مردانه را که همان خشونت ورزی باشد مورد پرستش قرار می‌دهد و به کسانی که نقش جنس گونه (gender role) مردانه را اعمال می‌کنند و به آن احترام می‌گذارند قدرت و امتیاز می‌دهد، خواه بزرگ زن باشد یا بزرگ مردی ضعیف تر فرقی نمی‌کند.

ادامه در صفحه ۹

خبرهای علمی

عنصر صد و ششم "سیبورگیوم" نامیده شد

عنصر مصنوعی صد و ششم که به کمک شنا بگرهای ذرات به وجود آمده است، به افتخار گلن ت. سیبورگ، یکی از برندگان جایزه نوبل سال ۱۹۵۱ به خاطر کشف پلوتونیوم و عنصر فوق اورانیوم و همچنین هموار کردن راه کشف عنصر ۱۰۶، سیبورگیوم با علامت اختصاری Sg خوانده خواهد شد. این نخستین عنصری است که به نام یک دانشمند زنده ثبت می‌گردد.

عنصر ۱۰۶ که در سال ۱۹۷۴ کشف شده بود و نیمه عمری برابر با ۰/۹ ثانیه دارد، بر اثر اختلافات حقوقی، از ودهی پیش تا کنون بدون نام مانده بود.

انسان، عامل اصلی سوراخ شدن لایه ی اوزون

سازمان فضایی آمریکا (ناسا) اعلام کرد که انسان عامل اصلی سوراخ شدن لایه اوزون است و نه دود آتش فشان‌ها. بر اساس مطالعات این سازمان گاز "کلروفلوروکربن" (سی اف سی) که در یخچال، دیگر دستگاه‌های برودتی و مواد عایق کاری به کار می‌رود، باعث از بین رفتن تدریجی لایه ی اوزون می‌شود.

اطلاعات دریافت شده از تلسکوپ هابل

عمر کیهان را کمتر نشان می‌دهد

تصاویر اسالی تلسکوپ هابل آشکار کرده است که عمر کیهان به مراتب کمتر از میزانی است که بر مبنای نظریه‌های موجود در نجوم تعیین شده است. بر مبنای نظریه "مه بانگ" که آغاز کیهان را نتیجه یک انفجار بزرگ تفسیر می‌کند تا کنون ۱۶ میلیارد سال از عمر کیهان گذشته است. بر اساس این نظر کیهانشناسی موجود در کیهان در حال دور شدن از یکدیگرند.

بر اساس تحقیقات یک گروه بین المللی از ستاره شناسان اطلاعات دریافت شده از تلسکوپ هابل نشان می‌دهد که عمر کیهان حداکثر به ۸ میلیارد سال بالغ می‌شود و سرعت دور شدن کیهانها بر مراتب بیشتر از میزانی است که توسط نظریه "مه بانگ" محاسبه شده است. تلسکوپ هابل که چندی قبل در مدار زمین قرار داده شده است بدلیل نداشتن محدودیت ناشی از لایه جو قادر است تصاویر پرمراست دقیق و شفاف تری از تلسکوپ‌های زمینی در اختیار دانشمندان قرار دهد.

نسل جدید کامپیوترهای شخصی

نیازی به "مودم" ندارد

شرکت اینتل بزرگترین سازنده ریزپردازنده برای کامپیوترهای شخصی در تلاش است تا ترکیب تازه‌ای از ریزپردازنده و نرم افزار ارائه دهد که بدون نیازی به مودم بتوان کامپیوتر را به خط تلفن وصل کرد. به نوشته روزنامه ایندپندنت ترکیب تازه قادر خواهد بود اطلاعات را با سرعت مختلف یعنی ۱۴۴۰ بیت در ثانیه و ۲۸۸۰ بیت در ثانیه از طریق خطوط تلفن عادی مخابره کند.

اینتل در نظر دارد در نما ییگاه کامپیوتری بزرگی که در لاس وگاس برگزار می‌گردد مودم تازه‌ای عرضه کند که به خریداران امکان می‌دهد علاوه بر انتقال اطلاعات مکتوب، با مخاطبان خود به طور همزمان به مکالمه بپردازند.

راز استحکام تار عنکبوت

بر اساس یک گزارش علمی که از شبکه‌ی تلویزیونی بی بی سی انگلیس پخش شد، ترتیب قرار گرفتن مولکولهای پروتئین در تار عنکبوت مهمترین علت استحکام این تارهاست.

تار عنکبوت یکی از قوی ترین و ارتجاعی ترین مواد کشف شده در طبیعت است. بنا بر این گزارش چند تن از محققان دانشگاه "کرنل" نیویورک با بی‌بردن به چگونگی قرار گرفتن مولکول‌ها، راز استحکام و انعطاف پذیری تارهای عنکبوت را کشف کردند. در پلیمرهای مصنوعی قسمت‌های کوچک از یک ترکیب می‌توانند در کنار یکدیگر در یک جهت قرار گیرند و کریستال بوجود آورند. در یک رشته یا تار پلیمری، این کریستال‌ها نوعاً در یک سری حلقه‌هایی محاط هستند که در یک راستا قرار ندارند و ماده غیر منظم و غیر شفاف بی‌وجود می‌آورند.

در تار عنکبوت قسمت‌های زنجیره، مرکب از چهار تار مولکول پشت سر هم از اسید آمینه‌ی "آلاتین" است که برای آنکه نواحی کریستالی را بوجود آورند به صورت موازی قرار گرفته‌اند. آرایش موادی که "آلاتین" را احاطه کرده‌اند بسیار منظم تر از نواحی غیر کریستالی پلیمرهای مصنوعی است. قدرت کششی یک رشته تار عنکبوت حداقل دو برابر آهن است و قدرت ارتجاعی آن به حدی است که می‌تواند پس از کشیده شدن واضافه شدن یک سوم به طول اولیه به آن مجدداً به حالت اولیه بازگردد.

درمان به کمک ویروس‌های تب خال

یک ویروس شناس و یک متخصص ژنتیک دانشگاه پنسیلوانیا ای آمریکا برای اولین بار موفق شدند با سوار کردن ژن سالم بر روی ویروس‌های تب خال و تزریق این ویروس‌ها به موش‌های مبتلا به بیماری موکوپلی سا کاریدوز، ژن سالم را به آنان انتقال دهند و از این راه آن‌ها را قادر به تولید آنزیم لازم نمایند. ادامه‌ی این تحقیقات می‌تواند راه گشای درمان کودکانی که با این بیماری به دنیا می‌آیند، باشد. (یک مورد در هر ۲۵ هزار تولد)

آنتونیو گرامشی

و جامعه مدنی



مقدمه و ترجمه: ح - بهداد

جامعه مدنی مفهوم چندان نوری نیست و طرح نخستین آن را می‌توان در نظرات دو فیلسوف انگلیسی و اسکاتلندی یعنی جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۳) و دیوید هیوم (۱۷۷۶-۱۷۱۱) باز شناخت. اندیشه‌های جان لاک در باره سرشت انسان و رفتار روابط اجتماعی او و چگونگی دستیابی به شناخت علمی، گسستی با تفکرات ایده آلیستی پیش از او بود وجود آورد و تأثیرات ژرفی بر ولتر و متفکران انقلاب کبیر فرانسه بر جای گذاشت. این انقلاب با شعار آزادی برابری، برادری و رهاسازی انسان از جبر و قیودات مذهبی، سیاسی و اقتصادی را هدف خود قرار داده بود و سعادت انسان را در همین دنیا و از رهگذر تلاش و اقدامات خود وی و وضع قوانین اجتماعی میسر می‌دانست. در آمریکا نیز کسانی همچون الکساندر هامیلتون و توماس جفرسون یعنی متفکران و بنیانگذاران دولت آمریکا به شدت از اندیشه‌های جان لاک متأثر بودند و در تنظیم روابط دولت و جامعه در متن قانون اساسی، به این اندیشه‌ها نظر داشتند.

هیوم نیز بویژه در کتاب "چند گفت و شنود درباره دین طبیعی" شخصیت و منش انسان را مورد بررسی قرار می‌دهد و تلویحاً بر روح هنجارها و بربرست‌های نوینی در روابط اجتماعی و سیاسی جامعه تأکید می‌کند. او در نوشته‌های خویش به اشاعه اندیشه نسبی‌گرایی و پرهیز از مطلق‌نگری و جزم‌اندیشی و مآلاً رویکرد به تساهل و مدارا توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد. در مجموع اندیشه‌های هیوم را یکی از زمینه‌های رشد و گسترش تفکر سیاسی غرب در دوران معاصر می‌شناسند. تفکری که دوست هیوم یعنی آدام اسمیت با کتاب "تحقیق در ماهیت و علل ثروت ملل" بنیانهای اقتصادی مبتنی بر سرمایه داری و بازار آزاد آن را پی‌ریزی نمود.

مفهوم جامعه مدنی بعدتر در اندیشه‌های هگل صراحت و دقت بیشتری یافت. او جامعه مدنی را جمعی از افراد می‌داند که هر یک از آنها به دنبال تأمین نیازهایی خویش است و هدف مشخصی را دنبال می‌کند. این افراد برای دست‌یابی به اهداف خویش در یک سازمان اقتصادی به هم پیوندند و تولید و مبادله می‌پردازند. چنین سازمانی به رشد و گسترش تخصص‌ها، تفکیک کارها و پرورش طبقات اقتصادی و بنگاه‌های اقتصادی منجر می‌شود. علاوه بر آن این سازمان برای بقای خویش به وضع قوانین و دستگاه اجرای قوانین یعنی به مجلس و دادگاه و نیروی انتظامی نیازمند است. هگل در این تعریف و نیز در کل اندیشه خود به عمده کردن نقش دولت و در سایه قرارداد جامعه مدنی می‌پردازد، تفکری که به عقیده برخی از متفکران معاصر، مبانی یک دولت قدر قدرت و یکپارچه و یک جامعه مدنی ضعیف و غیر مستقل را فراهم آورد و قسماً منشأ جاریت و توتالیترسیم در دنیا می‌میرد.

بعدتر مارکس و انگلس با فراتر رفتن از اندیشه هگل جامعه مدنی را همچون نظامی از روابط اجتماعی و محدوده‌های خارج از سلطه دولت نگریستند و آن را در کتاب "ایدئولوژی آلمانی" بمشابه پدیده دوران پس از قرون وسطی و کانون حقیقی و صحنه تمام تاریخ ارزیابی نمودند. این اندیشه اما با جنبه دیگر تفکرات مارکس و انگلس یعنی لزوم برقراری دیکتاتوری پرولتاریا بویژه در عرصه عملی و آن هم در کشورهای فاقد فرهنگ دمکراسی‌نا سازگار آمد و دولت‌های برآمده از انقلاب سوسیالیستی اکثراً انقلاب‌های مشابه بعدی، آنچنان بر همه عرصه‌های حیات اجتماعی سایه افکندند که کمترین جایی برای تکوین و تکامل جامعه مدنی نماند. حقیقت در انحصار دولت قرار گرفت و جامعه از پویش دمکراتیک بسط حقوق خود و ابراز نقد و نظر خویش نسبت به کارکرد حکومت محروم گردید.

در این میان اما گرامشی اندیشمند و سیاستمدار کمونیست ایتالیا (۱۹۳۷-۱۸۹۱) به رغم تعلقش به جنبش کمونیستی از همان ابتدا با توجه به تجارب سیاسی اروپا در نیمه اول سده جاری درک و برداشتی گسترده‌تر از جامعه مدنی پیش نهاد. وی در نوشته‌های مختلف خود بویژه در "یادداشت‌های زندان" این مفهوم را به مجموعه‌ای از نهادها، سازمانها و انجمن‌های غیر دولتی اطلاق نمود که نوعی اقتدار ایدئولوژیک بوجود می‌آورند و در برابر دولت که بعنوان نماینده جامعه سیاسی یا اتکاء به قوای قهری و دستگاه‌های قضایی به اعمال سلطه

تشکیل می‌دهد. با اینهمه گرامشی عقیده داشت که چالش و کشاکش میان این دو بخش قدرت، نهایت هژمونی مدنی را باز تولید می‌کند. وی توانست با همین ارزیابی از نگرش اقتصادی مارکسیسم اراده گرافرا تر رود. این نوع مارکسیسم استقرار سوسیالیسم در کشورهای پیشرفته را محتمل تر از هر جای دیگری می‌شمرد که در عمل خلاف آن اتفاق افتاد. برخلاف روسیه که جامعه مدنی در آن مرحله جنبینی خود را طی می‌کرد، گرامشی در اروپای غربی نوع قدرتمندی از این جامعه را باز شناخت که به گفته وی سد محکمی در برابر انقلاب بود.

در نیمه اول این قرن، هنگامی که با به قدرت رسیدن فاشیسم در ایتالیا (۱۹۲۲) جنبش کارگری ابتدا مجبوره فعالیت نیمه علنی و سپس مخفی شد، گرامشی پیش از پیش دریافت که همانا جامعه مدنی پیش از قدرت‌گیری فاشیسم بوده که رشد جنبش کارگری و شکل‌گیری احزاب و اتحادیه‌های آن و نیز آزادی مطبوعات را ممکن می‌ساخته است. در بحران سیاسی که سال ۱۹۲۴ به دنبال قتل ماته اوتی یکی از سخنرانان ضد فاشیست به دست جوخه‌های مرگ فاشیستی پدید آمد گرامشی بهتر از تمام احزاب پرولتاری و سوسیالیستی به این خطر پی برد که فاشیست‌ها پیش از هر چیز در صدد نابودی جامعه مدنی شکل گرفته در دوران دولت پرولتاریا و نیز محدود کردن امکان فعالیت قانونی هستند. هنگامی که پارلمان مخالف در "آونین" تنها به عنوان ابزار اعتراض نمایندگان و همچون نهادی نا کارا جلوه کرد، گرامشی دوباره فراکسیون کمونیست‌ها را به مجلس بازگرداند، یعنی به جایی که مخالفت با فاشیست‌ها پیش از هر جای دیگر بازتاب عمومی می‌یافت. گرچه در شرایط تورور و فعالیت نیمه علنی کار کمونیست‌ها آسان نبود لیکن استراتژی گرامشی به اجرا درآمد و اعضای حزب و نیز ۴۰۰۰ نفر از اعضای اشتراک روزنامه "آونینا" تاز به بنیاد آن "آونینا" یعنی همان روزنامه‌ای که قتل ماته اوتی را قبل از همه رسانه‌های دیگر بازتاب داد - گردید. موسولینی سرانجام دور ماندن احزاب پرولتاری و سوسیالیستی از مجلس را پنهان کرد و رسماً آن را منحل نمود. وی بعدتر با ترتیب دادن یک کودتای ساختگی کمونیست‌ها را به دست داشتن در آن متهم و فعالیت آنها را نیز غیر قانونی اعلام کرد.

بر خلاف کمینترن و دیدگاه غالب در حزب کمونیست ایتالیا، گرامشی حتی در زندان (۱۹۳۳-۱۹۲۶) نیز بر آن بود که حکومت فاشیست‌ها را تنها با جنبش کارگری نمیتوان از قدرت برکنار کرد، و این کار تنها از عهده اتحاد وسیعی از همه نیروهای ضد فاشیستی برمی‌آید. به نظری پیروزی چنین اتحادی طبعاً دیکتاتوری پرولتاریا را غیر ممکن می‌سازد و بیشتر بر پای مجلس مؤسسانه متشکل از همه نیروهای اتحاد را در دستور کار قرار می‌دهد. در همین راستا جنبش کارگری پس از بازسازی سیستم پرولتاریا - لیبرالی راه دیگری ندارد جز آنکه با احزاب، انجمن‌ها و اتحادیه‌های خود و نیز از طریق یک جنبش فرهنگی، برای تأمین هژمونی خود با نیروهای پرولتاری و به رقابت بپردازد. بدینسان گرامشی با دیدگاه تقدیرگرانه‌ای که تحول اجتماعی و تاریخی را تنها با رشد اقتصادی همگام و موازی می‌پندارد نیز تسویه حساب می‌کند.

برای نشان دادن باور گرامشی به پیوستگی و تداوم جامعه مدنی در نظام‌های پرولتاری و سوسیالیستی و نیز تصریح این نظر که لغو جامعه مدنی به فاشیسم راه می‌برد نقل قولی از خود وی شاید بر بیجا نباشد: "انقلاب پرولتاریا به توجه به دیدگاه حقوقی و مآلاً نگاهش به کارکرد دولت، تلاشی است برای هماهنگ ساختن خواست‌ها و اراده‌ها. محافظه کاری طبقات پیشین از آنجا نشأت می‌گرفت که آنها تلاشی در جهت انتقال سازمان یافته قدرت از طبقات دیگر به خود به عمل نمی‌آوردند. به عبارت دیگر بسط گستره ایدئولوژیک و تکنیکی خود را چندان جدی نمی‌گرفتند و عمل آنها بیشتر بر خواست یک کاست بسته استوار بود. پرولتاریا اما بتواند یک سازمان به پویا و متحول پیوسته یاری آن را دارد که کل جامعه را با خود همراه سازد و آن را با سطح فرهنگی و اقتصادی خود همساز نماید. چنین روندی کارکرد همه نهادها را متغیر می‌کند: دولت در جایگاه مرئی و تعلیم‌گری قرار می‌گیرد. . . و توقف چنین روندی دولت را دوباره به ابزار صرف قدرت بدل می‌کند. پرولتاریا خود الزامات و نیازهای خود را ارضاء می‌کند: او نه تنها خود را گسترش می‌دهد، بلکه خود را تجزیه نیز می‌کند. این طبقه نه تنها از گوارش عناصر و مولفه‌های جدید در خود سرباز نمی‌زند، بلکه حتی بخشهایی از خود را پیوسته رها می‌کند. طبقه‌ای که توانایی هم‌رنگ کردن جامعه با خود را داشته باشد و این توانایی را جنبه عینی هم ببخشند ایده‌های دولت و حقوق را به سرانجام می‌رساند و این هنگامی است که وظایف آنها به آخرسیده باشد و عملاً در جامعه مدنی هضم شده باشند." (مجموعه آثار گرامشی - ص ۹۳۷)

بدین ترتیب ایده مارکس مبنی بر انقراض دولت در یک ساختار تاریخی که نهاد‌های کارورزان حاکم بر آن باشند جای خود را به فرمولبندی منعطف "جذب دولت در جامعه مدنی" می‌دهد.

گرچه اصطلاح "جامعه مدنی" را گرامشی همه جا به کار نمی‌برد، لیکن چشم اندازهای چنین جامعه‌ای را در همه مراحل تکوین نظام سوسیالیستی مورد تأکید قرار می‌دهد. وی در گرما گرم انقلاب اکثرواند کی پس از آن یعنی زمانی که رهبری جنبش شورایی شهر تورین (ایتالیا)

را بعد از داشت شوراهای را همچون شکل‌های رادیکال می‌نگریست که نه با بد مفهرد دولت پرولتاریا شوند و نه باید به کنترل پرولتاریا یک دولت سوسیالیستی (که آن زمان ایجادش قریب الوقوع تصور می‌شد) گردن نهند. تأکید فراوان گرامشی بر استقلال و اختیار فرد و بر تصمیم‌گیریهای جمعی، نمودی است از سنس منکی بر همبستگی و خودگردانی جنبش کارگری که توسط این جنبش و در اشکالی متفاوت از آنچه که در اتحاد شوروی تحقق یافت، به جامعه مدنی پرولتاریا تحمیل گردید. در اینجا بد نیست یاد آور شویم که گرامشی تخریب شیوه‌ها و روال‌های دمکراتیک بویژه در اوج کشاکش استالین و تروتسکی را فاجعه‌ای برای جنبش جهانی کارگری قلمداد نمود.

گرامشی در یکی از نوشته‌های خود به کارکرد مهم جامعه مدنی در بطن یک نظام سوسیالیستی در حال قوام اشاره می‌کند، یعنی در جایی که - همچون جوامع در حال توسعه امروز - به نظری جنبینی و بطنی بودن جامعه مدنی می‌تواند به تقدیس حکومت بیا نجامد: "تقدیس حکومت عبارت از رفتار معینی در قبال دولت کارها و کارگزاران است" که در زبان رایج اصطلاح "حکومت برداشت" میشود و نتیجه همسپنداری منافع جامعه و دولت است.

دیدگاهی که حکومت را تشکیل شده از افراد یک گروه اجتماعی میدانند و آن را بخشی از یک فرهنگ پویا تلقی می‌کند (یعنی فرهنگی که ایجاد جامعه‌ای نوین و تپ‌های جدیدی از انسانها و شهروندان را هدف خود قرار داده) باید در راه برپایی یک جامعه مدنی در درون یک نظام کاملاً دولتی نیز تلاش کند. به عبارت دیگر باید جامعه‌ای بسازد که هر فرد حاکم بر مقدرات و سرنوشت خویش باشد. چنین حق و اختیاری نه تنها نباید در تضاد با جامعه سیاسی (حکومت) قرار گیرد، بلکه باید تداوم بخش و تکمیل‌کننده آن باشد. برای این منظور گروه‌های اجتماعی که پیش از قرار گرفتن در بطن یک جامعه مدنی روندهای اخلاقی و فرهنگی مستقل و خود ویژه را طی نکرده‌اند (گویی که در جامعه قرون وسطا زیسته باشند)، دوره‌ای از تقدیس حکومت یعنی همسپنداری منافع دولت و جامعه ضروری سازمانند است. با اینهمه چنین حکومت قدر قدرتی را نباید به حال خود وا گذاشت و بویژه نباید وجود آن را نوعی پدیده دائمی تلقی کرد. باید آن را پیوسته مورد نقد قرار داد تا خود را تکامل بخشد و اشکال با زتری از جامعه را ایجاد کند، یعنی اشکالی که در آنها خلاقیت و ابتکار افراد و گروه‌ها حتی زمانی که مستقل از دولت کارها و کارگزاران باشد نیز همسویا منافع حکومت تلقی شود. (مجموعه آثار گرامشی - ص ۱۰۲۱-۱۰۲۰)

بی‌توجهی به این فرمولبندی گرامشی، یعنی بی‌توجهی دولت به اهمیت ایجاد جامعه مدنی و نیز منوعیت هر گونه سازمان مستقل شهروندان، شاخص "جامع سوسیالیستی واقعا موجود" بود و همین کمبوده‌ها نتیجتاً به نابودی و فروپاشی آنها انجامید. اما کلام گرامشی با توجه به بنیان‌های ضعیف جامعه مدنی در کشورهای در حال توسعه هنوز هم از اعتبار و اهمیت خاصی برخوردار است.

در جوامع جهان سوم پیوستگی و ارتباط تنگی میان مسائل اقتصادی و چگونگی ایجاد جامعه مدنی برقرار است. در این رابطه شاید ذکر گفته‌های منتصف مرزوقی رئیس انجمن حقوق بشر تونس که هم اینک به خاطر اعتراض به دخالت دولت در کارهای انجمن در زندان بسر می‌برد بر بیجا نباشد. وی گویی که همان برداشت گرامشی از جامعه مدنی را بیان می‌کند: "من معتقدم که یک جامعه مدنی باید قطعاً سه عرصه حقوقی را متحقق کند: حقوق فردی، حقوق اقتصادی و حقوق سیاسی. تنها با دستیابی به خودگردانی فردی، اجتماعی - اقتصادی و سیاسی است که انسان به آزادی می‌رسد و جامعه مدنی را واقعیت می‌بخشد. پیش در آمد چنین جامعه‌ای بلوغ، به برخورد فاصله‌مند و اختیارمندی همه احاد جامعه است. یعنی انسانها باید امکان یابند که به جای دولت، خود قییم خویش باشند و حکومت هم بجای حکم راندن بر آنها به خدمتگزار آنها بدل شود. جامعه مدنی در چالش پیوسته با حکومت و هر گونه ایدئولوژی اقتدارگرو تمام گراست. چنین جامعه‌ای امکان می‌دهد که مردم در قبال دولت برخوردی نقد آمیز داشته باشند، اختیارات و حقوق خویش را غنیمت بخشند و خود را سازماندهی کنند. این جامعه بندریج در همه عرصه‌های اجتماعی، اعم از دانشگاه‌ها، نهاد‌های پولی و پلیس - یعنی همه نهاد‌هایی که تا کنون در کف اختیار دولت بوده‌اند - حقوق و اختیارات بیشتری می‌طلبد. این روند خودگردانی بسیار طولانی خواهد بود، ولی بالاخره ماروزی صاحب آن خواهیم شد. شمار انسانهای با سواد و تحصیلکرده پیوسته فزونی می‌گیرد و بر توانایی آنها در دست گرفتن اختیار و سرنوشت خویش افزوده میشود. آنها تلاش خواهند کرد که در ساختن زندگی خویش سهم و تأثیر بیشتری داشته باشند. این روندی است که به نظر من بازگشتنا ناپذیر است."

تردید نیست که در جوامع در حال توسعه انجمن‌ها و نهاد‌های غیر دولتی پیوسته در خطر تعرض دولت و اجبار به تبعیت از آن قرار دارند، لیکن برای آنها جز مقاومت و چالش و جز تقویت روند دمکراتیزه سازی جامعه راه دیگری وجود ندارد.

هفته نامه فریانتاگ - ۱۴ اکتبر

تابه حال همکاری بین ما خوب بوده. ما فقط از این ناراحت شدیم که نامه مذکور به بیرون درز کرد و در مورد آن بحث های زیادی در جامعه در گرفت.

نویسندگان نامه به طور کثرت خواستار چه چیزی بودند؟

آنها خواستار پارلمان غیر وابسته بودند و ایراد گرفته بودند که کشور به صورت یک خانواده و یا واحد خصوصی اداره می شود و حزب و اتحادیه کارگری و آزادی اندیشه وجود ندارد. یک سری از این خواسته ها با مذهب ما صراحتاً در تضاد است. در این بین ما یک هئیت مشاور برای ملک فهد تعیین کردیم که افراد آنرا خود شاه برگزینند. این هئیت زیر نظر شاه کار خواهد کرد. در این کشور بالا تراز شاه قدرتی وجود ندارد.

این موضوع با دموکراسی هیچ قرابتی ندارد.

در قرآن از آزادی انتخابات و دموکراسی پارلمانی سخنی در میان نیست. فرق جامعه ما با جامعه غربی در این است که شما غربی ها فکری کنید که حکومت مشروعیتش را از پارلمان می گیرد. اما ما فکری کنیم که مشاوره فقط یک وسیله برای حکومت کردن است. اولین و بزرگترین هدف ما وفاداری به اجرای قوانین اسلامی است و دومین هدف ما این است که هر آنچه که بهتر است برای مردمان انجام دهیم.

این کارها چرا از طریق مستقیم پارلمانی قابل انجام نیست؟

انتخابات، پارلمان و دموکراسی به شیوه غربی به نظر ما بهترین راه حل برای مشکل جامعه نیستند زیرا ما می بینیم که این نوع سیستم چه بر سر سایر کشورها آورده است. من مطمئنم که هیچ کدام از نمایندگان مجلس به خاطر لیاقتشان انتخاب نمی شوند بلکه به دلیل داشتن ثروت و قدرت و با تعلقات حزبی شان بدانجا راه می یابند. در تلویزیون شاهدیم که بین نمایندگان بحث های جدی صورت نمی گیرد بلکه با مشت و لگد به سر و کول هم می برند مثل ایتالیا، ژاپن و حتی پاکستان. دموکراسی طبق تعریف یعنی حکومت اکثریت. چه کسی می تواند ثابت کند که حق همیشه با اکثریت است.

چه کسی به جای اکثریت باید تصمیم بگیرد؟

این وظیفه حاکم، یا پادشاه است که مسئولیت ملت و تمام جامعه را بر عهده دارد. وقتی ایشان توانستند این مسئولیت را به خوبی انجام دهند رای مردم مطمئناً همیشه با او خواهد بود. وقتی هم نتوانست این کار را انجام دهد باید فرد بهتری را پیدا کرد. اما ما به کسی اجازه نمی دهیم برای ما تکلیف تعیین کند که چه سیستم حکومتی را انتخاب کنیم. این تصمیم را کشور ما می گیرد نه یک کشور خارجی.

تا حال توانسته اید اپوزیسیون را با پول و امکانات رفاهی آرام کنید. اما حالا که بدی های شما به بیش از ۷۰ میلیارد دلار رسیده است چگونه می توانید خودتان را از این شرایط فریاد خلاص کنید؟ آیا می خواهید قیمت نفت را بالا ببرید و یا با زهم می خواهید وام بگیرید و یا مالیات ها را افزایش دهید؟

ما از بالا رفتن قیمت نفت استقبال می کنیم ولی این به تنها ای از عهده عربستان سعودی بر نمی آید بلکه باید با سایر کشورهای عضو اوپک چنین تصمیمی اتخاذ گردد. من فکر نمی کنم که باید سطح رفاه شهروندان را پایین بیاوریم چون کشور از بین اقتصاد مطمئن برخوردار است. شهروندان عربستان سعودی ثروتمند هستند و حالا قادرند سرمایه گذاری کنند. من شکی ندارم که این کار خواهد شد.

چطور شد که شما تا بدین حد بدکار شدید؟

جنگ برای رهائی کویت ۸۰ میلیارد دلار برای ما هزینه برداشت. جنگ صدام علیه ایران ۳۵ میلیارد دلار برای ما تمام شد. آن زمان ما از برادران عرب مان علیه ایران حمایت کردیم. علاوه بر اینها کار برای رسیدن به هدف اصلی ما یعنی تأمین رفاه شهروندان نیز خرج بر می دارد.

آیا شما امید دارید که بتوانید سطح رفاه شهروندان عربستان سعودی را کماتر از آن نگه دارید؟

انشاءالله اگر خدا بخواهد من مطمئنم که می توانم از بوجود آمدن شرایطی مثل مصر و الجزایر جلوگیری کرد. من دعا می کنم که کابوس موجود در کشورهای اسلامی و عرب هر چه زودتر پایان یابد.

جامعه ای سالم با قوانین درست رشد می کند پرخاشجوی نیست. من حتی اگر وراثت سالمی هم نداشته باشم اگر جامعه، جامعه ای سالم باشد چگونه می توانم خشونت نشان بدهم. پرخاشگری بوده است ولی عواملی باعث بروز آن می شود. مثلاً قانون می تواند خشونت را مهار کند و در نتیجه خشونت بروز نکند.

دکتر صفی نیا: به هر حال اگر هم پرخاشگری زمینه ارثی داشته باشد، می توان جهش را عوض کرد. علت اینکه ما هم این قدر پرخاشگری داریم اجتماعی، فرهنگی و تربیتی تا کید می کنیم همین است که بتوانیم به آن جهت بدهیم.

ادامه دارد

مصاحبه مجله آلمانی اشپیگل با وزیر کشور عربستان سعودی آیاشاه عربستان اشتباه شاه ایران را تکرار می کند؟ مترجم: رهسرو

درست نیست. اما تأثیرات غرب در همه جا مشهود است.

در چند دهه پیش اثری از صنعت مدرن در عربستان نبود و ما در مدت کوتاهی توانستیم این کشور را با زیرم و در این راه از کمک مهندسان و تکنیسین های کشورهای دیگر استفاده کردیم قبلاً کشورهای عرب و مسلمان دیگر همه مستعمره بودند که این امر با همه بدبختی های یک حسن هم برای آنها داشت و آن اینکه آنها جوهره نحوه تربیت نیروی انسانی و خیلی چیزهای دیگر را از استعمارگران یاد گرفتند. ما چیزی نداشتیم و می بایستی خودمان در فکر ساختن همه چیز باشیم. پرواضح است که پیشرفت های چشمگیری یک سری خطرات را هم به همراه دارند.

این باید آزاد رهنده باشد که شما همه چیز را می توانید بخرد الی یک چیز را، امنیت سیاسی و نظام را. ما باید شمار نیروهای امنیتی خودمان را افزایش و آنها را بیشتر آموزش دهیم دفاع از کشور ما با بیابان های بی انتها و وسعت زیادش مشکل است. فواصل بعضی از شهرهای ما به ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر می رسد و بین آنها فقط صحراست.

وقتی شما از مدرنیزاسیون صحبت می کنید آدم ناخود آگاه به فکر نقشه های شاه ایران می افتد، او هم رقم های نجومی برای خرید سلاح های جدید و صنعتی کردن کشور خرج کرد.

شما نمی توانید جامعه ما را با جامعه ایران مقایسه کنید. چرا نه؟

در مسائل مذهبی ما مثل ایرانی ها توریته بالای مذهبی نداریم. ما مسئله مراتب ملا آن طریقه در مذهب شیعه وجود دارد راهم نداریم. ما مطمئن داریم که علمای مذهبی ما باز هستند و تمایل به توسعه و تجدید دارند. لذا ما هیچ ترسی از مقابله علمای خودمان نداریم نه حال و نه در زمان نسل بعد.

حکومت مشروعیت سیاسی خود را ناشی از این می داند که هر چه علمای گویند آنرا انجام می دهد. اما هم اکنون عده ای از علمای شما معتقدند که زمین کروی نیست. با این قضیه چسان برخورد می کنید؟

شما عراق می کنید. اما من نمی خواهم انکار کنم که تک و توک چنین افرادی پیدا می شوند. در کشورهای دیگر هم اسانید مذهبی تئوریهایی غربی بر زبان می رانند. من تصدیق می کنم که بعضی از علمای ما به دلایل مذهبی زمانی از کاربرد تلفن و تلگراف پرهیزی کردند اما امروز آنها بیشتر از قبلی از تلفن و فاکس استفاده می کنند.

چندی پیش نامه اعتراضی به امضای ۴۰۰ تن از علمای به شاه منتشر شد. در آن نامه به فساد مالی، سوء استفاده از مقام اداری، رابطه بازی و اختلاس اعتراض شده بود.

ما نامه را صرف نظر از رد یا قبول محتوای آن مورد بررسی قرار دادیم و این کاری است که همیشه انجام می گیرد. وقتی کسی شکایتی دارد ما آنرا به دقت گوش می دهیم و سعی می کنیم که برای مسأله راه حل پیدا کنیم. اما قوانین اسلامی علاوه بر این چیز دیگری هم می گوید و آن اینکه من چیزی را که با ملک در میان گذاشتم از دیگران باید مخفی بماند.

یعنی ناراضی به هیچ وجه نباید علنی شود. معتقد بود افرادی هستند که مجرم بالذات هستند یعنی از نظر ژنتیکی اختلال دارند، دوست دارند تجاوز بکنند و پرخاش بکنند و باید از نظر روانی تحت معالجه قرار گیرند. که بعدها این مسأله رد شد و گفتند که مجرم بالذات وجود ندارد بلکه خشونت اکتسابی است، در جامعه به دلیل فشارها و عوامل مختلف، شخصی مرتکب جرم می شود. ولی الان مجدداً مسأله ژنتیک مطرح شده و برای بسیاری از خصوصیات زمینه ارثی قابل هستند. بچه هایی که در دوران جنگ بدنیا آمده اند متفاوت هستند با بچه هایی که در دوران صلح به دنیا آمده اند. اینها همه موثر است. اما تحقیقی که شما اشاره کردید: آیا جدا کردن این

آنها پذیرفته اند که اشتباه می کرده اند و ملک فهد آنها را بخشیده است.

اما همه نام نیستند اپوزیسیون هم وجود دارد و در لندن پایگاه دارند و آنها خواهان سرنگونی حکومت سلطنتی هستند.

آنها هیچ خطری برای عربستان سعودی ندارند و تفکرات آنها با خواست ملت ما سازگاری ندارد. آنها خیلی فعال هم هستند. آنها از آنجا تمام مؤسسات و ادارات ما را فاکس باران می کنند. اما علمای و دانشجویان و شهروندان ما به اعلامیه های سیاسی آنها واقعی نمی گذارند.

آیا جناب عالی این شینامه ها را دست کم نمی گیرید؟ به نظری می رسد بالاخره همین کارها بود که حکومت شما را مجبور کرد که ۱۵۷ نفر را دستگیر کنید.

درست است. اما در این بین ۱۳۰ نفر را دوباره آزاد کردیم.

آیا باید قبول کرد که افراد آزاد شده به خطاهای خودشان پی برده اند؟

درست است. یا ۲۷ نفر دیگر چکار کردید؟

آنها کماکان در زندان به سر می برند زیرا تحقیقات در مورد آنها هنوز ادامه دارد. ما باید بدانیم که آیا آنها از طرف نیروهای خارجی اغوا شده اند یا نه؟

چه نیروی ممکن است پشت این قضیه باشد؟

این را فعلاً نمی توانم بگویم. آیا شما به ایران مشکوک هستید؟

ایران سال ها تلاش کرد که شهروندان عربستان سعودی را به شورش بکشانند. خیلی از شعبه هایی که از ایران به عربستان آمده اند به این امر اعتراف کرده اند. آنها اقرار کردند که در ایران تعلیمات نظامی دیده بودند. بدین صورت ایران سعی داشت در عربستان نیز وضعیتی مثل مصر و الجزایر به وجود آورد.

آیا اعترافات بدون شکنجه و ارباب صورت گرفت؟

شما می توانید از خود آنها بپرسید. ایران هدف خاصی را تعقیب می کرد. آنها می خواستند حکومت عربستان را متزلزل کنند و در صورت امکان آنرا سقوط دهند. این رویای ماها بود. اما این امر هرگز به تحقق نخواهد پیوست. مردم ما می دانند که آنها چیزهایی را که ما در عرصه های اقتصادی و اجتماعی به آنها داده ایم در هیچ جای دیگر نظیرشان نمی توانند پیدا کنند.

اما خیلی از غربی ها بر این باورند که حکومت سلطنتی در عربستان سعودی شاید در آینده نزدیک از هم بپاشد. یا واه های احمقانه. ما این چیزها را سالهاست که می شنویم و تا نیری هم بر ما نمی گذارد. من در اینجا ما پلم خیال دوست و دشمن را راحت کنم و بگویم که هسته حکومت ما سالم است و ما سقوط نمی کنیم.

سایر کشورهای عربی با موج اسلام افراط گرا به زحمت قادر به مقابله هستند. آیا شما کماکان روی کمک آمریکا حساب می کنید؟

این عصیان ها و نا امنی ها که حالا شاهدش هستیم چندان دوام نخواهد آورد و آنوقت وضع ما هم بهتر خواهد شد. ما اعتراف می کنیم که در جریان مدرنیزاسیون کشورمان اشتباهات زیادی کرده ایم ولی در این بین خیلی از خطاها ایمان را نیز اصلاح کرده ایم. اتهام مسلمانان افراطی مبنی بر اینکه ما خودمان را به غرب فروخته ایم

اصطلاح یک سیستم اجتماعی - سیاسی باشد هرگز در تاریخ وجود نداشته و یک افسانه انسان شناسی است و الا آن بیست سالگی است که رد شده است. زنان احتیاجی ندارند که سالار باشند چون قدرت زایش دارند و قدرت زندگی بخشیدن دارند. آقایان بعد از اینکه متوجه شدند نقش در زایش ندارند مجبور شدند نقش پدر بر عهده بگیرند و یکی از الزامات پدر بودن اصل قدرت است، یعنی مرد باید قوی باشد. هر مردی حداقل به یک زن که زن خودش باشد باید برتری داشته باشد و مرد باید زن خودش را از مرد های دیگر جدا کند که بدانند آیا پدر هست یا نیست. پس در ذات نهاد پدری (paternity) این اصل

رشد حرکت اعتراضی در عربستان سعودی و به هم خوردن ثبات اقتصادی این کشور که تا چندی پیش نمی دانست با دلارهای بیشمار ناشی از فروش نفت چه کند، توجه بسیاری از جهانیان را به خود جلب کرده است. رژیم عربستان که یکی از متحدین مطمئن غرب به شمار می آمد حالا متزلزل شده است و بدی های کلان اقتصادی گلوی آنرا می فشارد. سال ها بود که صدای اعتراض را با دلارهای نفتی خفه می کردند، اما حالا اپوزیسیون که شامل مذهبیون، نظامی ها و دیگر شهروندان است، اعتراض می کند. و جالب اینجاست که در کشوری که قوانین مذهبی آن حتی از ایران هم شدیدتر است، اسلام افراطی طرفدار پیدا کرده است.

مجله آلمانی اشپیگل در همین رابطه مصاحبه ای با نایف ابن عبدالعزیز وزیر کشور عربستان سعودی انجام داده است که برای آشنایی با وضعیت این همسایه بزرگ جنوبی کشور ما مفید است.

شاهزاده نایف ابن عبدالعزیز یکی از محتملترین افراد برای جانشینی ملک فهد است که در سن ۷۱ سالگی به مرض قند و چاقی مفرط دچار است و روزهای متوالی مشغول بازی با کامپیوتر است و کسی را به حضور نمی پذیرد. نایف عبدالعزیز، ۶۰ ساله، یکی از سرکوبگران بنام در عربستان است و او آخرین تابستان ۱۵۷ نفر را دستگیر کرد که ۲۷ نفر آنها هنوز در زندان به سر می برند.

این مصاحبه اندکی خلاصه شده است. شاهزاده نایف ابن عبدالعزیز یکی از محتملترین افراد برای جانشینی ملک فهد است که در سن ۷۱ سالگی به مرض قند و چاقی مفرط دچار است و روزهای متوالی مشغول بازی با کامپیوتر است و کسی را به حضور نمی پذیرد. نایف عبدالعزیز، ۶۰ ساله، یکی از سرکوبگران بنام در عربستان است و او آخرین تابستان ۱۵۷ نفر را دستگیر کرد که ۲۷ نفر آنها هنوز در زندان به سر می برند.

عالی جناب، ما تقریباً هر روز شاهد عملیات مسلحانه مسلمانان افراطی در مصر، الجزایر و یار فلسطین هستیم و در عربستان سعودی مهد اسلام نیز چندی پیش شاهد سرکوبی عده ای از آنها توسط حکومت شما بودیم آیا حکومت عربستان مسلمانان افراطی را تهدیدی برای خود تلقی می کند یا نه؟

نه، طبعاً ما از وضع موجود در دنیای عرب و اسلام راضی نیستیم و چیزی که بیش از هر چیز برای ما درد آور است اینکه کلیه این کارها به اسم مذهب صورت می گیرد. ما امیدواریم که این فاز غم انگیز بزودی پایان پذیرد. اسلام می که ما به آن معتقدیم اسلام سازندگی است نه اسلام ما و پیرانگر اسلام ما مبلغ عشق و انعطاف است نه خونریزی. چیزهایی که امروز تحت لوای اسلام صورت می گیرد با دین اسلام هیچ ارتباطی ندارد. در این عملیات قاتلین و مقتولین مسلمان هستند و این وضع غیر قابل تحمل است.

آیا در وجود آمدن چنین وضعیتی شماها مقصر نیستید؟ سالیان دراز حکومت عربستان سعودی از مسلمانان افراطی حمایت کرد، شما صد ها میلیون دلار در افغانستان صرف جنگ علیه شوروی ها کردید و حالا هم گروه های افغانی دارند بر ضد هم می جنگند.

ما از چیزی که حالا در افغانستان در جریان است بسیار متأسفیم. ما آن زمان از نیروهای متفاوت حمایت می کردیم تا خلق افغانستان خود را بتواند از یوغ اشغالگران شوروی برهاند. اما حالا که دیگر نیروهای شوروی وجود ندارند آنها به جای آبادانی کشور به قتل و عام همدیگر پرداخته اند. این وضع تا سقف بار است.

آیا شما به اشتباهتان اقرار می کنید؟ افرادی که در افغانستان حالا همدیگر را قتل و عام می کنند به گروه های مختلف سیاسی تعلق دارند. آنها از اسلام سوء استفاده می کنند و از آن به عنوان وسیله ای برای دستیابی به اهداف سیاسی شان استفاده می کنند. ما رهبران احزاب افغانی را به عربستان دعوت کردیم به این امید که با مذاکره مناقشه های شان را کنار بگذارند. آنها در حضور ملک فهد قرارداد ترک مخاصمه را امضاء کردند و مرکب قرارداد هنوز خشک نشده بود که خونریزی از سر گرفته شد.

شما باید قبول کنید که خیلی از شهروندان مظلوم شما از انگلستان، آمریکا و آلمان بدین دلیل تقاضای پناهندگی سیاسی می کنند چون از طرف دولت عربستان تحت تعقیبند.

البته چنین افرادی وجود دارند. به نظر ما نظرات آنها به اسلام لطمه می زند، خیلی از آنها را ما دستگیر و بازجویی کرده ایم و با آنها مفصل بحث کرده ایم. بعضی از

خشونت... ادامه از صفحه ۷

من با خانم دکتر قاسم زاده موافق هستم و آن این که این قدرت است که منشاء خشونت است نه مرد سالاری یا زن سالاری، این تعریفی انتزاعی است که کاملاً با آن موافقم ولی اگر بخواهیم تعریفی مشخص در شرایط مشخص جامعه بشری بکنیم، بدون ذکر مرد سالاری و پدر سالاری ممکن نیست. زن سالاری هیچ وقت در تاریخ وجود نداشته، زن محوری بوده است نه زن سالاری. یعنی زنان و کودکان محورهای نهادهای اجتماعی بوده اند، ولی زن سالاری به این معنا که زن بر مرد و کودک مسلط باشد و به

سال ۱۹۹۵

سال همبستگی با مردم کوبا



فیدل کاسترو در سخنرانی پایانی اجلاس هاوانا گفت: مردم کوبا با امید به ادامه همبستگی خلقی های جهان، محاصره اقتصادی آمریکا را تحمل می کنند و مردم کوبا از سوسیالیسم چشم نخواهند پوشید.

در روزهای پایانی سال ۱۹۹۴، هاوانا پایتخت کوبا شاهد اجلاس بزرگ همبستگی با مردم کوبا بود. بیش از ۳۰۰ نماینده از ۹۲ کشور جهان در این گرد همانی ضمن بررسی فعالیت همه گستر خود در همبستگی با مردم کوبا که تحت فشار ضد انسانی تحریم اقتصادی از سوی دولت آمریکا به سر می برد، پس از تصمیم گیری و تنظیم کارپایه نوینی که مبنای فعالیت مشترک در سال جاری خواهد بود، سال ۱۹۹۵ را سال همبستگی با مردم کوبا و درهم شکستن محاصره کوبا اعلام کردند. به همین خاطر روزهای ۱۹ ماه مه و ۱۱ اکتبر که سالروز گذشت خوزه مارتی سنبل استقلال کوبا و قتل چه گوارا انقلابی بزرگ آمریکای لاتین هستند، مراسم بزرگی در همه نقاط جهان برگزار خواهد شد. فیدل کاسترو در سخنرانی پایانی اجلاس هاوانا گفت: مردم کوبا با امید به ادامه همبستگی خلقی های جهان، محاصره اقتصادی آمریکا را تحمل می کنند و مردم کوبا از سوسیالیسم چشم نخواهند پوشید. شرکت کنندگان در اجلاس هاوانا در پایان کار خود ضمن تصویب یک بیانیه، توافق نامه ای را نیز با مضمون گسترش هر چه بیش تر فعالیت خود برای همبستگی با مردم کوبا انتشار دادند. در زیر متن کامل هر دو سند را به نشر می رسانی:

کوبا به زبان آمار

اکثر کوبایی ها باور دارند که پیروزی های انقلاب بر شکست ها پیش می چرید

تعداد کثیری از کوبایی ها عقیده دارند که دست آوردهای انقلاب وزنه سنگین تری است تا شکست های پیش و این عده تحریم اقتصادی آمریکا را مشکل اساسی بحران اقتصادی کنونی می دانند. این نظرخواهی که از طرف روزنامه «میامی هرالد تریبون» و انستیتیوی «سی-ای-دی گالوپ» طراحی شده بود. سه درصد، سیاست را مشکل اصلی کوبا بیان کردند و پنجاه درصد مساوات را به آزادی ترجیح دادند. این اولین نظرخواهی مستقل و علمی در ۳۰ سال گذشته بود. ۱۰۰۲ نفر از ۷۵ درصد کشور در این نظرخواهی شرکت داشتند. چهل و شش درصد قادر نبودند که انگشت روی مساله اصلی بحران کنونی بگذارند. دولت اجازه نداد که در پرسش نامه اشارهای به فیدل کاسترو و یا دولت مردان بشود. از هر ۵ نفر یک نفر در ماه گذشته به کیلسارفته است. ۳۸ درصد آزادی را مهمترین مساله جامعه دانسته اند. ۴۸ درصد خود را انقلابی معرفی کرده اند. ۵۸ درصد دستاوردهای

انقلاب در زمینه بهداشت رایگان و آموزش و پرورش را پرورن تر از کمبودهایش بیان کردند. ۳۱ درصد وزنه سنگین تر را به شکست ها داده اند. بیش از نیمی از نظر دهندگان خواهان شروع تجارت برای خود بوده اند. در مورد این سوال که مساله اصلی بحران کنونی چیست؟ ۳۱ درصد تحریم اقتصادی آمریکا را ریشه اصلی دانسته اند. درصد کمتری کمبود مواد غذایی را مساله اصلی اعلام کردند. گاردین ۲۱ دسامبر ۹۴

"درهای کوبای کاسترو کمی باز شده اند"

مجله اکونومیست نوامبر ۱۹۹۴

منظره مالونزا (Malones)، پاسگاه دیده بان مشرف به خلیج گوانتانامو بسیار ترسناک است. در زیر منطقه مین گذاری شده، سکوهای دیده بان، سیم خاردار و در آخر با بگانه نظامی آمریکا قابل رویت است. در زیر ۲۳ هزار کوبایی به امید سفر به آمریکا اسکان یافته اند. دولت آمریکا اخیراً از ترس این که کنفرانس «نیمه قاره ای» از طرف کوبا ثبات اهل میامی به هم نخورد، قول داد که به پناهندگان ساکن خلیج گوانتانامو برود ای اجازه ورود به آمریکا را بدهد. زندگی در این اردوگاه آنقدر کریه است که تعداد زیادی به کوبای کاسترو بازگشته اند. در طول ۳ دهه کاسترو گرده چندین رئیس جمهور آمریکا را به خاک نشاند و مردم کوبا را به سطح بالایی از آموزش رسانده و بهداشت عمومی را برای همه رایگان کرد. ولی این همه به دلیل وجود اتحاد شوروی بوده است. با قطع سوسیالیست شوروی، اقتصاد کوبا نیز روبه فروپاشی رفت. حالا هر چند به آرامی، کاسترو نیز جهت خود را تغییر می دهد. زمان از آن کاسترو نیست. چرا که در ماه اوت هاوانا بزرگترین تظاهرات ضد دولتی را بخود دید. آقای کاسترو به ناچار در راه را بر روی «عینیت با زار» باز کرد. شاید اجازه ورود به قانون حقوق بشر را نیز بدهد. نماینده سازمان ملل اخیراً به کوبا سفر کرد تا وضعیت حقوق بشر را در این کشور بررسی کند. دولت اعلام کرد او آزاد است به هر جا سفر کند و یا هر کس صحبت کند. انگار اقتصاد غصه اصلی آقای کاسترو است. فرار از عینیت چندان با کاسترو سازگار نبوده است. او امیدوار بود با ایجاد سیل پناهندگان

به آمریکا، دولت آمریکا را مجبور به ست کردن حلقه تحریم اقتصادی کند. بدون موفقیت. او وارد مذاکره با مخالفان در مادرید و میامی شد. همین کار باعث شد که سازمان ملل تحریم اقتصادی علیه کوبا را محکوم کند. تولید در کوبا پایین و دستمزدها ناچیز است. یک مهندس و یا پرستار در ماه ۳۱۰ پوز حقوق می گیرد (در حدود ۸ دلار). یک رفاص در کارخانه نصف این مبلغ حقوق دارد. با آزاد شدن دلار در بازار آزاد، اکثر مواد غذایی و دارو سر از بازار سیاه در آورده است. خرید و فروش اکثر ا باد لا راست. کاسترو با رغبت حاضر به انجام رفرم نشد. در این ماه دولت اعلام کرد که نیشکر برای سرمایه گذاری خارجی آزاد است. تولید شکر از ۸ میلیون تن در سال به دلیل نبود سوخت، کود، لوازم یدکی و نبود مدیریت به نیمی از آن رسیده است. اخیراً قرارداد با روسیه یعنی نفت در برابر شکر، به دلیل عدم مقدار تعیین شده شکر از سوی کوبا، را کد شد. تولید سال آینده ۴ میلیون تن تخمین زده شده است. شرکت های برزیلی و کانادایی با دولت کوبا وارد مذاکره شده اند. نشان دیگر رفرم، بازگشت بازار آزاد کشاورزان است. در این بازار کشاورزان قادرند درصدی از تولیدات خود را به قیمت بازار عرضه کنند. چهره دیگر «عینیت اقتصاد»، بالا بردن راندمان سازمان های دولتی و بیکار کردن نیروی کار مازاد است. مالیات برد درآمد در دستر کار دولت قرار گرفته است. به قول یک آکادمیسین: اجرای این رفرمها

نمونه کلاسیک برنامه «تعدیل ساختاری صندوق بین المللی پول است»، ولی از نوع حرکت آهسته آن. زاگ د گروت مقام بلند پایه صندوق بین المللی پول هر سال دوبار به کوبا سفر می کند. آیا این حرکات باعث احیاء اقتصاد کوبا خواهد شد؟ احتمالاً نه! چرا که دولت کنترل اکثریت را در دست خواهد داشت. سرمایه گذاری خارجی (۱/۵ میلیارد دلار تا کنون) زمینه را محدود می بیند. محدودیت در حرکت نیروی کار و محدودیت شدید تر در سرمایه گذاری فردی، کار را مشکل کرده است. با وجود این کوبا دارای نیروی کار خبره ای مثل دکتر، مهندس و معلم و دبیر است. آیا کوبانیان به انتظار خواهند نشست؟ بسیاری انتظار تغییر آتی دارند، هر چند نمی دانند آیا این تغییرات وعده های ز گهواره تا گور سوسیالیسم را از میان خواهد برد، فیدل کاسترو را هم؟ به احتمال زیاد نه. برادر او را نول، وزیر دفاع اخیراً صحبت از رفرم می کند. او نماینده جناحی از همفکران خود در حزب است. فزون بر آن تظاهرات فقط در هاوانا و مرکز فقیر نشینان تمرکز داشته است. هر چند باقی کوبانیان از کمبودها رنج می برند، ولی آرام تر به نظر می رسند. کشاورزان سالتدی توضیح می دهد: ما از سرمایه داری وحشت داریم. ما نمی دانیم سرمایه داری چیست؟ در مورد ماکراسی، این باعث نابود شدن همه دستاوردهایی خواهد شد که ما با هم در زیر لوای سوسیالیسم ساختیم.

بیانیه همبستگی با مردم کوبا

ما شرکت کنندگان در اجلاس همبستگی خود را با مردم کوبا در دفاع از حقوق خود در تعیین سرنوشت خویش، بر اساس نیازها و روند تاریخی این کشور، دفاع از حق انتخاب آزاد راه پیشرفت، در مقابل دگم های سیاسی اقتصادی که در سراسر جهان تحمل می گردد، اعلام می داریم. امکان تجارت آزاد با بقیه جهان و مسدود کردن تمام تلاشهای آن برای بازسازی اقتصادی، واقعیات این کشور، به کمک یک کارزاری سابقه تبلیغاتی سیستماتیک، مخدوش و نادرست نشان داده می شود. ما با چشمان خود اثرات بی رحمانه تحریم زان بر زندگی مردم کوبا مشاهده کرده ایم. بر این اساس است که ما اصرار داریم دولت ایالات متحده آمریکا، به خواست بخش های عظیمی از افکار عمومی جهان و مجمع عمومی سازمان ملل متحد توجه کرده و به این اقدام های غیر عادلانه که بیش از ۳۰ سال ادامه یافته است، پایان دهد. ما همچنین قادریم، در بی تماس های مستقیم مان با مردم، روحیه و خواست آنان را در ادامه مقاومت و مصمم بودن به حفظ دستاوردهای اجتماعی شان تصدیق نماییم. ما در حالی به کشورها یمان بازمی گردیم که بیش از پیش به ضرورت دفاع از آرمان کوبا اعتقاد آورده ایم. در روزهای آتی کوبا، که همچنان در محاصره اقتصادی و در مظان تهمت و افترا قرار دارد، قادر نخواهد بود در اجلاس بزرگ جهانی نیم کره، که به دعوت ایالات متحده در میامی برگزار می شود، حضور پیدا کند. میزبانان این نشست از صدای رسا و شجاعانه کوبا در حمایت از محرومان، رهاسدگان، مطرودان و درماندگان اجتماعی در هر اس می باشند، ولیکن کوبا تنها نیست. اثبات چنین نظری را در برگزاری این گرد همایی بزرگ که تنها نماینده جزئی از توده های عظیم انسانیت از تمامی جهان می باشد، میتوان جستجو کرد. این اقدام جهانی زمانی سازماندهی می شود که کوبا و تمامی کشورهای آمریکای لاتین، آماده می شوند که صدمین سالگرد درگذشت خوزه مارتی را در صحنه های پیکار گرامی دارند. خوزه مارتی همیشه نسبت به اهمیت استقلال کوبا و هم برای سرنوشت آنچه که او آن را «آمریکای ما» می خواند و هم برای دستیابی به یک «توازن جهانی» اهمیت ویژه ای قابل بود. در این روزها پیشگویی مارتی که می گفت: «هر کس امروز در کنار کوبا بر خیزد، برای همیشه بر خاسته است»، بیش از پیش به واقعیت نزدیک می باشد. به محاصره کوبا خاتمه دهید! حق مسلم کوبا در انتخاب و ساختن آینده اش با ید محترم شمرده شود!

توافق نامه نخستین اجلاس جهانی همبستگی با مردم کوبا

۱- سال ۱۹۹۵، به عنوان سال خوزه مارتی و سال مبارزه با تحریم اقتصادی اعلام گردد. ۲- روز ۱۹ ماه مه سال ۱۹۹۵ که مصادف با صدمین سالگرد شهادت خوزه مارتی در صحنه های پیکار است، به عنوان روز خوزه مارتی و روز همبستگی با کوبا جشن گرفته شود. ۳- اجلاس های منطقه ای همبستگی با کوبا، با شرکت همه نیروها و گروه هایی که در راه روابط دوستی میان ملل کار می کنند، ادامه یافته و گسترش یابد. ۴- در مقابله با محروم کردن کوبا از شرکت در اجلاس نیم کره که توسط ایالات متحده سازماندهی گردیده است و قرار است در میامی برگزار شود، اعتراض گردد. ۵- کارزارهای جمع آوری کمک های مالی اقتصادی به مثابه تجلی همبستگی با کوبا ادامه و گسترش یابد.

<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/></p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایید.</p>	<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا:</p> <p>ششماه — ۴۵ مارک</p> <p>یکسال — ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>ششماه — ۵۲ مارک</p> <p>یکسال — ۱۰۴ مارک</p> <p>GER — 3 DM</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.</p> <p>دارنده حساب: I.G. e.v.</p> <p>شماره حساب: 22442032</p> <p>کد پانک: 37050198</p> <p>Verleger: I.G. e.v.</p> <p>I.G. e.v. آدرس:</p> <p>Postfach 260268</p> <p>50515 Köln</p> <p>GERMANY</p> <p>Stadtparkasse Köln</p> <p>Germany</p> <p>شماره فکس: 0049 _ 221 _ 3318290</p>
--	---	--

جهان در سال ۱۹۹۴ میلادی

پایان سال ۱۹۹۴، بهانه‌ای است تا بار دیگر نگاه‌های گذرا بر مهم‌ترین رویدادها و روندهای جهان در ۱۲ ماهی که گذشت داشته باشیم.

جهانی‌بیمار

پایان جنگ سرد و رقابت دو بلوک، نه تنها مسائل جهان بیمار امروز را حل نکرد، بلکه بر بیماری‌های آن افزوده است. جهان، ناامن تر شده است. در حال حاضر، ۶۰ جنگ در گوشه و کنار دنیا جریان دارد و هر روز هزاران قربانی می‌گیرد. علاوه بر این بحران‌ها، که در صدر اخبار رسانه‌ها قرار دارد، بیماری‌هایی مزمین نیز هستند که در طول یک سال گذشته بر ابعاد آنها افزوده شده است. در سال گذشته اعلام شد یک چهارم جمعیت کره زمین شب‌ها سرگشته به بالین می‌گذارد. روزانه صدها هزار نفر قربانی گرسنگی و بیماری‌هایی می‌شوند که مقابله با آنها در چارچوب اختیاری بسیار است. نزدیک به ۱۵ میلیون نفر بی‌سرو و سرگردان در آیدز آلوده شده‌اند که بیش از نیمی از آنها در آفریقا هستند. طاعون، بلائی که گمان می‌رفت برای همیشه متعلق به گذشته است، سال گذشته در هند قربانیان زیادی گرفت.

آنهايي که در جهان کنونی ثروت و قدرت لازم برای کاستن از بار این مصایب بردوش بشر را دارند، به این فجایع بس بی‌اعتنا نیستند. هر از چندی، گرد همایی‌هایی نظیر کنفرانسی که سال گذشته در قاهره تحت عنوان "جمعیت و توسعه" برگزار شد، تشکیل می‌شود، تا تریبونی باشد برای رهبران دولت‌ها در تمجید از مساعی و خدمات خود به مردم کشورهایشان. اما با پایان این کنفرانس‌ها، این رهبران به پایتخت‌های خود باز می‌گردند تا همان سیاستی را ادامه دهند که جهان را به این مصیبت‌ها دچار کرده است. سیاستی که فروبیعدالتی، سرکوب و آزادی‌کشی را به پدیده‌هایی دائمی در اکثر کشورهای جهان تبدیل کرده است.

در حالی که گرسنگی و بیماری‌ها و نابودی محیط زیست، بلاهایی است که بی‌سرو و صداه به تدریج نفس بشریت را می‌گیرد، جنگ‌های بی‌شمار منطقه‌ای به خاطر ابعادشان و جنجالی بودنشان، صفحات روزنامه‌ها و اخبار شبکه‌های تلویزیونی را پر کرده‌اند، بدون اینکه انتشار این اخبار، جهان را بدان حد تکان دهد که گامی مؤثر در پایان دادن به این کانون‌های بحران بردارد. "جهان چند قطبی" بیش از آنکه به معنای دمکراتیزه شدن سیاست جهانی باشد، با تصادم خونین منافع قدرت‌ها همراه است. در حالی که در دوران جنگ سرد، توافق‌های محدود جهانی به بهبودهایی در زندگی بشر می‌انجامید، و مثلاً کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا در سال ۱۹۷۵ نمرات ملموسی در عرصه‌های حقوق بشر و اقتصاد به دنبال داشت، مشابه همین کنفرانس در سال گذشته تنها نتیجه مشخصی که داشت تغییر نام "کنفرانس" به "سازمان" بود. در حالی که در چند صد کیلومتری مقر کنفرانس بوداپست، جنگ بالکان کماکان قربانی می‌گرفت، رهبران اروپا و آمریکای شمالی حتی نتوانستند درباره ضرورت برقراری آتش‌بس در بوسنی به توافق برسند.

و تازه بوسنی در مصیبت خود، لااقل به دور از توجه افکار عمومی جهان و رسانه‌ها نیست. ده‌ها جنگ دیگر در جهان وجود دارد که گاه هفته‌ها چیزی از آنها نمی‌خوانیم و نمی‌بینیم و نمی‌شنویم. جنگ افغانستان در همسایگی کشور ما از این زمره است. در حالی که سال‌ها

منافع غرب ایجاب می‌کرد که افغانستان در مرکز توجه باشد و وسیله اسلحه و پول برای مقابله با شوروی، شورشیان این کشور را مجهز کند، اکنون که همین سلاح‌ها روزانه ده‌ها، صدها و گاه هزاران تن از مردم بیگناه افغانستان را می‌کشد، همسایه شرقی ما چه نقطه‌ای فراموش شده تبدیل شده است. قدرت‌های بزرگ دیگر در این کشور منافع مهمی ندارند و از مسئولیت خود به عنوان نیروهای خود آغاز گرافاجه کنونی در افغانستان بوده‌اند، شانه خالی می‌کنند. تصویر عمومی جهان در آغاز سال ۱۹۹۵، منفی است. با این حال، همه رویدادهای جهان در سال ۱۹۹۴ منفی و مایوس‌کننده نبود. در حالی که برخی بحران‌ها سرپاژ کرد یا شدت گرفت، برخی دیگر روبرو حل شدن گذاشت، هر چند آهنگ حل این مسائل کندتر از سرعت افزوده شدن معضلات جدید است.

استقرار حکومت خودمختار فلسطین

در سال ۱۹۹۴ پس از ماه‌ها مذاکره و کشمکش و به تأخیر افتادن استقرار حکومت خودمختار فلسطینی در نوار غزه و اریحا، با سرعفات وارد غزه شد و ریاست این حکومت را بر عهده گرفت. این، یک تحول تاریخی در بحران خاورمیانه است. هر چند مقاومت اسرائیل در برابر تحقق حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین باعث شده است که فعلاً محدود اختیارات حکومت خودمختار چه به لحاظ وسعت جغرافیایی و چه از نظر موقعیت حقوقی و عرصه‌های تحت کنترلش هنوز فاصله زیادی با استقلال کامل فلسطین داشته باشد، اما خروج نیروهای اسرائیلی از غزه و اریحا را باید به فال نیک گرفت و خواهان گسترش آن به همه اراضی اعراب که توسط اسرائیل اشغال شده‌اند گردید. در سال گذشته پیشرفتی در حل اختلافات اسرائیل با سوریه و لبنان حاصل نشد، اما اردن با شتابی که بی‌شک ناشی از اعمال فشار آمریکا بود، به قرارداد صلح با اسرائیل تن داد تا از انزوایی که بر اثر عدم همراهی ملک حسین با جنگ آمریکا علیه عراق ایجاد شده بود، به درآید.

در حالی که می‌توان بنا را بر این گذاشت که مشکل اشغال اراضی سوریه در جولان و "توار امنیتی" جنوب لبنان توسط اسرائیل قابل حل است، یک خطر علیه روند صلح خاورمیانه را نباید از نظر دور داشت. این خطر، بنیادگرایی اسلامی است که در فلسطین در قالب گروه حماس می‌کوشد تا با تداوم شعارهای افراطی و مواضع آشتی‌ناپذیر، بر قدرت و نفوذ خود بیافزاید. عرفات در مقابله با این گروه، وظیفه‌ای بس دشوار بر عهده دارد که عواقب چگونگی انجام آن، تنها به فلسطین محدود نمی‌شود. اگر رئیس حکومت خودمختار فلسطین در سیاست خود در قبال حماس، به طور یکجانبه به سرکوب و اعمال قهر متوسل شود، این خطر وجود دارد که با تداوم اشغال اراضی فلسطینی‌ها از سوی اسرائیل، مردم فلسطین در استقبال از راه‌حل‌های رادیکال برای مسئله ملی خود، به بنیادگرایی روی آورند و در نهایت، به عرفات نیز به مثابه متحد اسرائیل بنگرند. از سوی دیگر، اگر عرفات به دنباله‌رو شعارها و مواضع افراطیون اسلامی

تبدیل شود و یا آنها را در قدرت سهیم کند، اصل روند صلح متوقف خواهد شد و خطر بازگشت آن نیز وجود دارد. راه حل درست، بی‌شک جایی در میانه این افراط و تفریط است.

کانون‌های بحران در پیرامون ایران

در سالی که گذشت، در پیرامون ایران کماکان کانون‌های بحران شعله ور بود. تحریم عراق توسط سازمان ملل ادامه یافت و تلاش نابخردانه حکومت این کشور برای اعمال فشار بر جامعه جهانی از طریق تمرکز بر مرزهای کویت، منطقه راتاله برنگه جنگی جدید پیش برد و تخفیف تحریم‌های شورای امنیت را که قربانیان اصلی آن، مردم عراق‌اند، باردیگری تاخیر افکند. در کردستان عراق، حکومت خودمختار به علت درگیری‌های داخلی خود نتوانسته است گره‌های مشکلات مردم این منطقه بگشاید. در سال ۱۹۹۴، زد و خورد های خونین میان اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق ادامه یافت و کردستان عراق را نیز مانند کردستان ترکیه، به صحنه جنگ تبدیل کرد.

در سالی که گذشت، اختلافات آذربایجان و ارمنستان لا ینحل باقی ماندند و مسائل داخلی آذربایجان نیز تداوم یافت. اکنون باید نگران این بود که لشکرکشی روسیه به چین، چه عواقبی برای سایر جمهوری‌های قفقاز به همراه خواهد آورد.

تاجیکستان علیرغم دوره‌های مختلف مذاکرات صلح بین دولت و نیروهای اپوزیسیون، و با وجود برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، کماکان دستخوش جنگ و خونریزی است. این خطر وجود دارد که این کشور فارسی‌زبان نیز مانند همسایه جنوبی‌اش، افغانستان، در گرداب جنگی بی‌انتهای و آشوبی همگانی فرو رود.

در سال ۱۹۹۴ یمن دستخوش جنگ داخلی شد. این جنگ با پیروزی یمن شمالی و درهم شکستن مقاومت نیروهای غیرمذهبی جنوب خاتمه یافت، اما در روزهای واپسین سال ۱۹۹۴، نام یمن بار دیگر در ارتباط با تشنج‌های مرزی میان این کشور و عربستان در اخبار آمد.

وجود این همه کانون بحران در پیرامون کشور ما، بی‌شک پرداختن به حل معضلات عدیده ایران را که

مستلزم همکاری صلح‌آمیز و با ثبات یا همسایگان است، دشواری کند. آنچه برای دشواری می‌افزاید، این است که سیاست‌های جمهوری اسلامی در این موقعیت آشفته به جای پیروی از منافع ملی، پیشبرد اهداف ایدئولوژیک بنیادگرایی اسلامی را مدنظر دارد و خود بر ابعاد پاره‌ای از این بحران‌ها می‌افزاید.

تداوم خطر بنیادگرایی اسلامی

در سال گذشته، اکثر رهبران کشورهای مسلمان در مقابله با خطر بنیادگرایی ناموفق بودند. در الجزایر، حکومت این کشور پس از یک دوره سرکوب شدید، کوشید در مذاکره با رهبران جبهه نجات اسلامی، بر بحرانی که چند سال است این کشور را مبتلا کرده است، فائق آید. اما علیرغم آزادی عباسی مدنی و علی بلحاج دور رهبر اصلی بنیادگرایان از زندان، گفتگوهای رژیم حاکم و جبهه نجات بی‌نتیجه ماند و الجزایر، بیش از گذشته در گرداب قهر و ترور فرو رفت. در آخرین روزهای سال ۱۹۹۴، گروه‌های گوری و قتل‌سرنشینان یک هواپیمای مسافربری فرانسوی، نشان داد که جنگ داخلی در الجزایر تنها دامن این کشور را نمی‌گیرد و اروپا نمی‌تواند به این جنگ به عنوان آتشی که خارج از دیوارهای امنش برپاست، بی‌اعتنا بماند.

در مصر نیز سیاست سرکوب بنیادگرایان، از نفوذ و دامنه فعالیت آنها نکاسته است. این نفوذ را می‌توان با این واقعیت سنجید که معروفترین اثر نجیب محفوظ، نویسنده مصری و تنها برنده عرب زبان جایزه ادبیات نوبل، هنوز در مصر انتشار نیافته است و به محض اینکه انتشار این اثر به عنوان باور فنی در یکی از نشریات قاهره آغاز شد، نویسندگان آن مورد سوء قصد بنیادگرایان قرار گرفت.

در ترکیه پیروزی بنیادگرایان در انتخابات شهرداری‌ها نشان داد که موج افراطی‌گری اسلامی، به ویژه در کشورهای گسترده‌تر است که حکومت‌های آنها در حل مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناموفق‌اند. در ترکیه، زمامداری دمیرل رئیس جمهور و جیللر نخست‌وزیر این کشور با ناسامانی وضع اقتصادی همراه بوده است. آنکارا پس از یک دوره گشایش نسبی در سیاست خود در قبال کردستان هنگام ریاست جمهوری تورگوت

قتل روزنامه‌نگاران

به گزارش گروه خبرنگاران بدون مرز در سال ۱۹۹۴ در جهان ۱۳۵ خبرنگار جان خود را قربانی مطلع کردن مردم از آنچه که دردنیای ما می‌گذرد کرده‌اند. فاجعه رواندیشترین قربانی را گرفته است. ۴۹ خبرنگار طی سال گذشته فقط در این کشور کوچک آفریقائی کشته شده‌اند. الجزایر کشور بعدی است. در این دو ساله‌ای که این کشور درگیر جنگ داخلی شده است.

گروه‌های تندرو اسلامی رسماً به خبرنگاران اعلان جهاد داده‌اند. ۲۹ نفر روزنامه‌نگاران از ژوئن ۹۳ تا پایان ۹۴ در کمین افتاده و بدست چریک‌ها به قتل رسیده‌اند.

با آغاز سال ۹۵ گروه‌های ترور الجزایری امسال را سال برچیدن مطبوعات اعلام کرده‌اند. فقط طی سه هفته اخیر ۶ خبرنگار الجزایری را جانی‌تکاران کشته‌اند. سعید مکمل سردبیر روزنامه لوماتن، سومین روزنامه‌نگاری بود که به فاصله ۷۲ ساعت به دام افتاد و ترور شد. آخرین قربانی تروریست‌ها علی عبوس بود. او را نیز مانند دیگران تهدید کرده بودند که شغلش را عوض کند. وقتی از تحقق این خواست خود نومید شدند، روز ششم ژانویه در اطراف خانه‌اش به کمین نشستند. هنگام خروج از منزل گل‌گله‌ای در مغزش خالی کردند و رفتند. آن‌ها شب قبل از آن نیز خبرنگار دیگری را در اطراف شهر الجزیره از پای درآورده بودند.

اوزال، بر سرکوب و کشتار در کردستان افزوده است. سیاست خارجی ترکیه چه در غرب، در تلاش آن برای پیوستن به بازار مشترک، و چه در شرق، در کوشش برای اعمال نفوذ در آذربایجان، موفقیتی به همراه نداشته است.

مجموعه این شرایط، زمینه‌ای مساعد برای رشد نفوذ بنیادگرایان است. آنها در حالی که برای پیشبرد اهداف خود به ترور و اعراب نیز متوسل می‌شوند، بدان میزان که کردها و نیروهای دمکرات با قهر و سرکوب دولتی روبرو هستند، تحت پیگرد قرار نمی‌گیرند. نمونه‌ای از این برخورد دوگانه، محکومیت یکسان نمایندگان کرد پارلمان ترکیه صرفاً به اتهام تماس تلفنی با رهبر گروه چریکی پ. کا. کا. و بنیادگرایی است که با آتش زدن هتل محل اجتماع حامیان هندوستان سلمان رشدی، ده‌ها تن از آنها را به قتل رساندند.

موج بنیادگرایی اسلامی تنها به خاورمیانه محدود نمی‌شود. سال گذشته تسلیمه نسرین نویسنده بنگلادشی به خاطر عقاید و نوشته‌های خود که خشم بنیادگرایان را برانگیخته بود، بازداشت و بالاخره برخلاف میل خود به تبعید فرستاده شد.

افراطی‌گری اسلامی، در ریشه‌های اجتماعی خود پاسخی به تکبر و بی‌اعتنایی تمدن غرب به مسائل جهان حاضر است که کشورهای مسلمان، بخش قابل توجهی از نیمه عقب مانده و مورد تبعیض آن را تشکیل می‌دهند. جهان پیشرفته سرمایه‌داری ده‌ها سال است که با اطمینان خاطر نسبت بدین که حکومت‌های متحدش در جهان اسلام، خواهند توانست ثبات مورد نظر غرب و جریان مراد خام‌و به ویژه نفت را تضمین کنند، از این حکومت‌ها حمایت کرده است. وقایع سال ۱۹۹۴ نشان داد که این آسودگی خاطر، توهمی بیش نیست. نتیجه مستقیم بی‌عدالتی، استبداد و بی‌کفایتی حکومت‌های مورد حمایت غرب، روی آوردن افشار وسیعی در کشورهای مسلمان به ایدئولوژی افراطی اسلامی است. سرکوب و قهر این مشکل را حل نمی‌کند و تنها بر شدت رویارویی در این جوامع می‌افزاید. راه حل اصلی مقابله با بنیادگرایی اسلامی، توسعه و عدالت اجتماعی، دمکراتیزه شدن سیاست و فرهنگ کشورهای مسلمان و برقراری روابط اقتصادی برابر حقوق و عادلانه آنها با غرب است، اهدافی که نه حکومت‌های دنباله‌رو غرب و نه بنیادگرایان اسلامی بدانها پایبندند و از عهده تحقق آنها برمی‌آیند.

تحولات جمهوری‌های

سابق شوروی

آغاز سال ۱۹۹۴، مصادف با شروع کار پارلمان جدید روسیه و تشکیل دولت جدید این کشور بود. از ترکیب این دولت، نیروهای موسوم به اصلاح‌طلبان رادیکال که یگور چیرسرناس‌ترین چهره آنها بود، کنار گذاشته شدند. این نیروها اکنون در مقابله با جنگ چچن در صف مخالفان یلتسین قرار گرفته‌اند. روند منفی در اقتصاد روسیه در سال گذشته نیز ادامه یافت. ناپسامانی اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی و گسترش مافیای بزرگترین

مشکلات روسیه را تشکیل می‌دهند. این کشور بزرگ که با توان عظیم خود می‌توانست عامل ثبات و آرامش در منطقه وسیعی از جهان، از اروپا گرفته تا خاور و غرب باشد، در تلاطمی است که امواج آن، کشورهای همسایه را نیز بی‌نصیب نمی‌گذارد. در ایجاد این موقعیت، غرب که تا کنون از تمایلات استبدادی یلتسین حمایت کرده است، مسئولیت سنگینی بر عهده دارد. سیاست‌های یلتسین بر شدت بحران در روسیه افزوده است. آخرین نمونه از این سیاست‌های بحران‌زای، ماجراجویی در چین است.

سایر جمهوری‌های سابق شوروی نیز با مشکلات فراوان اقتصادی و سیاسی دست و پنجه نرم می‌کنند. در برخی از این کشورها، نارضایتی گسترده مردم در سال گذشته به شکست دولت‌های حاکم انجامید. در اوکراین، لئونید کراوچوک در انتخابات ریاست جمهوری شکست خورد و جای خود را به لئونید کوچما داد که یک تکنوکرات دارای سوابق مدیریت صنعتی در دوران شوروی است. در بلاروس کاندیدایی به ریاست جمهوری رسید که طرفدار نزدیک تر کردن همکاری‌ها بین جمهوری‌های سابق شوروی است.

علاوه بر تاجیکستان، گرجستان نیز در سال گذشته صحنه درگیری‌های خونین میان نیروهای دولتی و شورشیان بود. دولت روسیه که در آغاز از شورشیان آبخاز حمایت می‌کرد، در سال گذشته تغییر موضع داد و اکنون در گرجستان از دولت شوارزنادزه پشتیبانی می‌کند. در آذربایجان نیز دولت علی‌اف بیشتر به روسیه نزدیک است تا سایر کشورهای همسایه.

سایر رویدادهای مهم

سال ۱۹۹۴

سایر رویدادهای مهم جهان در سالی که گذشت عبارت بودند از:

- انتقال قدرت به دولت ائتلافی نلسون ماندلا در آفریقای جنوبی به مثابه پیروزی تاریخی مردم این کشور بر آپارتاید
- فاجعه انسانی بزرگ در رواندا که با قربانی شدن ۵۰۰ هزار نفر از مردم این کشور در درگیری‌های قومی بین هوتو و توتسی‌ها همراه بود
- شکل‌گیری جنبش چریکی جدید سرخپوستان مکزیکی با نام زاپاتا و پذیرش این جنبش از سوی دولت این کشور به عنوان طرف مذاکره
- وخامت اوضاع اقتصادی کوبا به علت تداوم محاصره اقتصادی این کشور از سوی ایالات متحده، و به تبع آن، مهاجرت جمعی ده‌ها هزار کوبا به ایالات متحده که برای نخستین بار پس از سال‌ها، واشنگتن را وادار به مذاکره با دولت کاسترو کرد

- انتخابات کنگره آمریکا که به شکست سخت حزب دمکرات و تضعیف مواضع بیل کلینتون رئیس‌جمهور این کشور انجامید

- بازگشت آریستید رئیس‌جمهور منتخب هائیتی به قدرت
- درگذشت کیم ایل سونگ که نیم قرن رهبری کره شمالی را بر عهده داشت
- برقراری آتش‌بس در ایرلند شمالی
- پیروزی چپ در انتخابات مجارستان
- حکومت ائتلافی کوتاه مدت راست‌گرایان در ایتالیا که در آخرین روزهای سال ۱۹۹۴ از هم پاشید
- پیروزی مجدد هلموت کول صدراعظم آلمان در انتخابات

جنگ علیه مردم غیر نظامی به دستور یلتسین

مناطق وسیعی از گروسی مرکز جمهوری چچن در قفقاز با خاک یکسان شده اند

تلفات در میان اهالی گروسی و ارتش روسیه سنگین است



هزار نفر از مردم جمهوری چچن بر اثر جنگ آواره شده اند.

در پارلمان روسیه و نیز در افکار عمومی این کشور، لشکرکشی به چچن اعتراضات شدیدی را برانگیخته است. یاوینسکی از نویسندگان برنامه گذار ۵۰ روزه به اقتصاد بازار در دوره گاریاچف که اکنون در پارلمان روسیه رهبری

در روز ۱۰ دی ماه ارتش روسیه که از یک ماه پیش، محاصره گروسی مرکز جمهوری چچن در قفقاز را آغاز کرده بود، به دستور یلتسین برای تصرف گروسی عملیات گسترده زمینی را آغاز کرد. پیش از آن، هواپیماهای جنگی روسیه بخش هایی از گروسی را مورد بمباران قرار دادند که به تلفات سنگینی در میان مردم غیر نظامی انجامید.

ارتش روسیه تا هنگام تنظیم این گزارش، نتوانسته بود گروسی را تصرف کند. یورش اول نیروهای روس برای تصرف شهر با مقاومت شدید مدافعان گروسی روبرو شد و مهاجمان، ناچار شدند با به جای گذاشتن صدها کشته، شمار زیادی اسیر و زخمی را تا ننگ سوخته در مرکز شهر گروسی، عقب بنشینند. تلفات در میان اهالی چچن و مدافعان آن، سنگین تر است. هواپیماهای روسی به طور مدام گروسی را بمباران می کنند. این بمباران ها و به توب بستن محلات مسکونی شهر از سوی ارتش روسیه، مناطق وسیعی از شهر را با خاک یکسان کرده است. صدها

بدون چشم اندازی برای صلح جنگ در کردستان عراق از نو شعله ور شد

ترکیه اعلام کرد روزانه بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار دلار از وی نفت خواهد خرید در موقعیتی کاملاً برتر قرار گرفت. طالبانی طالب آن شد که پول نفت از طریق دولت و مجلس هزینه شود. با بالا گرفتن تشنج درگیری ها در اربیل مرکز دولت کردی شروع شد. حمله افراد بارزانی به منزل طالبانی در اربیل باعث شد که او به سلیمانیه بگریزد و مذاکره نیز عملاً غیرممکن شود. برنامه های رادیویی و تلویزیونی هر دو حزب عمده وقت خود را صرف حمله به طرف مقابل و بخش برنامه ها علیه یکدیگر می کنند. در شقلاعه خونین ترین کشتارها روی داده است. بسیاری از مردم از شهر گریخته اند. ساختمان کمیته مرکزی و ساختمان روزنامه اتحادیه میهنی توسط بارزانی اشغال و مصادره شده است.

بشپتیبانی عملی ترکیه و ایران از بارزانی حزب وی را در موقعیتی قرار داده است که به نظر نمی رسد وی دیگر چندان تمایلی به ادامه وضع سابق داشته باشد. ارزیابی بسیاری از ناظران کردستان اینست که بارزانی ها فعلاً آمادگی برای توافق ندارند جز این که طرف مقابل عملاً تسلط آنان را بپذیرد.

هنوز جوهر سند توافق نامه بارزانی طالبانی که آن را با تشریفات بسیار در پارلمان کردستان امضا کرده بودند خشک نشده بود که خونین ترین کشت و کشتار میان دو نیروی مسلح کرد از نو شروع شد. تا این لحظه هنوز کشتار ادامه دارد. منطقه کردستان هنوز رسماً زیر حفاظت سازمان ملل است. محمد زجاری میانجی سازمان ملل نسبت به برقراری آتش بس و صلح خوشبین نیست. جنگ فعالیت گروه های امداد را متوقف کرده و آذوقه رسانی به مردم محل تعطیل شده است.

جنگ از اولین روزهای دی ماه شروع شد و علت آن نیز از جانب هر طرف آغاز هجوم از طرف مقابل ذکر شده است. از امارت تلفات گزارش دقیقی نمی توان داشت، اما خبرگزاری ها تلفات چند روز اول را صدها نفر مخبره کرده اند. چندین نفر از اعضا بلند رتبه دولت و نمایندگان مجلس جزو کشته شدگان هستند.

به گزارش منابع مستقل علت اصلی شروع مجدد جنگ تغییر موقعیت و برتری کامل حزب دموکرات کردستان بر اتحادیه میهنی است. این حزب زمانی که

کرده است زیرا این قانون مقرر می دارد که استفاده از ارتش برای حل بحران های داخلی تنها زمانی مجاز است که وضعیت فوق العاده اعلام شده باشد. از آنجا که در چچن وضعیت فوق العاده اعلام نشده است، مداخله ارتش غیرقانونی است.

روز جمعه ۱۶ دی ماه شورای امنیت روسیه به ریاست یلتسین تشکیل جلسه داد و اعلام کرد که ارتش روسیه نبرد را تا تسلیم یا نابودی باندهای مسلح در گروسی ادامه خواهد داد. بدین منظور، واحدهایی جدیدی از ارتش روسیه از شمال این کشور به قفقاز انتقال یافته اند و انتظار می رود که در همین هفته نبردهایی برای تصرف گروسی را آغاز کنند. گفته می شود که دودایف رهبر چچنی ها گروسی را ترک کرده و به پایگاه امنی در یک منطقه صعب العبور کوهستانی عقب نشسته است. ناظران می گویند چچنی ها آتقدار اسلحه و نفرات دارند که حتی پس از تصرف گروسی، به جنگ پارتیزانی با روسیه ادامه دهند.

رهبر حزب کمونیست آفریقای جنوبی وزیر کابینه تفاهم ملی، در گذشت

چریکی کنگره ملی آفریقا بود. جواسلو در سال ۱۹۷۸ به سمت رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی انتخاب شد. پیش از آن سردبیر نشریه حزب و رهبر شاخه چریکی کنگره ملی بود. با انحلال آپارتاید و تشکیل دولت تفاهم ملی به سمت وزیر مسکن انتخاب شد. در مورد فروپاشی اردوگاه شرق گفت: باید به ناتوانی های سوسیالیسم واقعا موجود اعتراف کرد. کمونیست ها باید شجاعانه و در محیطی باز در رفع این ناتوانی ها کوشا باشند. در مورد آینده گفت: آینده تمامی بشریت در گرو چهارچوبه سوسیالیسم بشر دوستانه است. سیستم ناعادلانه سرمایه داری راه به آینده ندارد.

جواسلو رهبر حزب کمونیست آفریقای جنوبی پس از دو سال مبارزه با سلطان مغز استخوان، دیده از جهان فرو بست. جواسلو در لیوانی به دنیا آمد، در ۸ سالگی برای فرار از آزار علیه پهلویان همراه با خانواده خود به آفریقای جنوبی مهاجرت کرد. به دلیل فقر در سن ۱۴ سالگی مدتی مدرسه را رها کرد، در ۱۶ سالگی وارد حزب کمونیست آفریقای جنوبی شد. در جنگ جهانی دوم در مصر علیه فاشیسم جنگید. تحصیلات خود را در رشته حقوق به پایان رساند. با روت فرست یکی از اعضای حزب ازدواج کرد و صاحب ۱۳ دختر شد. همسرش توسط یک بمب پستی در مپوتو پایتخت موزامبیک کشته شد. چندین بار بازداشت شد. از بنیاد گذاران ارتش

پیام تسلیت شورای مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت)

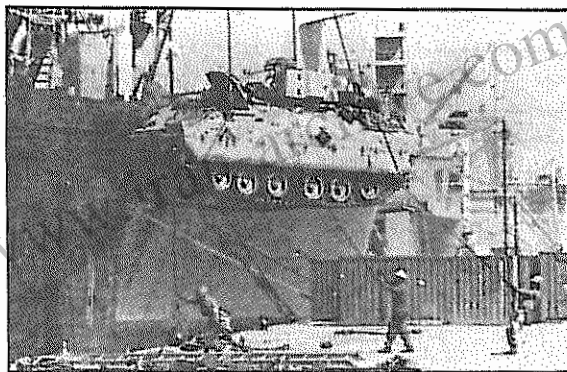
به پوزیدنت نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا
به کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی

با کمال تأثر مطلع شدیم که رفیق جواسلو رهبر حزب کمونیست آفریقای جنوبی و عضو دولت تفاهم ملی در کشور شما دیده از جهان فرو بسته است. او پیش از نیم قرن از عمر خود را در پی کار علیه ستم نژادی و علیه آپارتاید صرف کرد. مردم زحمتکش، سیاه و سفید همه دوستش داشتند. او روزمندی ای پیگیر، سیاستمداری خردمند و انسانی وفادار به انتخابش بود.

جواسلو و خوشبخت از میان ما رفت. او خاک بسیاری آپارتاید و تحقق آشتی ملی را دید و در ساختن آفریقای جنوبی نوین نقشی بسیار ارزنده بر عهده گرفت. آرزوی این بود میهن اش روزی را ببیند که هر انسانی کار می کند، جامعه شریفش بدارد و از نعمت نان، مسکن و آزادی بهره مند گردد. او روزی که ما را ترک می کرد تحقق این آرزو را در افاق زمان پدیدار می دید.

مرگ جواندو و هی بزرگ برای همه مردمی است که به آرمان های انسانی عشق می ورزند. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فقدان او را به شما و از طریق شما به همسرش و به دخترانش و به همه مردم آفریقای جنوبی تسلیت می گوید.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
جمعه ۵ ژانویه ۱۹۹۵



هزینه عظیم تسلیحاتی یکی از عوامل بحران اقتصادی عربستان سعودی

در ماه گذشته طیف وسیعی از اسلامی ها گرفته تا لیبرال ها و دیگران خواهان برقراری دموکراسی و نظام پارلمانی در کشور شده اند. در این کشور شخصی بنام شیخ علی سلمان، طوماری را با ۲۵ هزار امضاء (بحرین کمتر از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد) تهیه کرد که در آن خواست های بهبود وضع زندگی مردم، ایجاد کاروبازگشایی مجلس شورای ملی آن کشور مطرح شده بود. (مجلس ملی بحرین در سال ۷۳ دوسال بعد از استقلال این کشور گشوده شد اما در سال ۷۵ به دستور امیر بحرین زیر عنوان اشکال تراشی در انجام امور مملکت تعطیل شد) تهیه ی این طومار بازداشت و محاکمه ی شیخ علی سلمان را از جانب حکومت به دنبال داشت که این محاکمه اعتراضات وسیع توده ای را در این کشور موجب شده است. گفته می شود که تاکنون فشار کشورهای عربی خلیج فارس بر سر مسئله ی جزایر سه گانه، نباید غافل ماند، اما آنچه که سیر تحولات را در کشورهای پادشاهی خلیج فارس رقم می زند، بیش از همه به علل و عوامل داخلی این کشورها بستگی دارد.

دولت بحرین ضمن متهم کردن جمهوری اسلامی به تحریک شورشی های اخیر آن کشور، سفیر خود را از تهران فراخواند که با معامله به مثل حکومت تهران مواجه شد.

زمین زیر پای امیران خلیج فارس می لرزد

دو کشور پادشاهی عربستان و بحرین، دو جزیره ی ثبات سابق، در ماه اخیر شاهد نا آرامی های گسترده ی داخلی بودند. رویدادهای عربستان سعودی بویژه از آن رو قابل اهمیت است که تحولات در این کشور به عنوان ثروتمندترین کشور عرب و قدرتمندترین کشور حوزه ی جنوبی خلیج فارس و هم چنین بزرگ ترین صادرکننده ی نفت جهان، تأثیرات وسیع و دامنه داری در تمام جهان و به خصوص منطقه به جای می گذارد.

مخالفان حکومت طیف وسیعی از روشنفکران ترقی خواه تا روحانیان خواستار بازگشت بیشتر به اصول اسلامی و جوانان بیکار می باشند. روند خروج سرمایه ها از عربستان شتاب گرفته و شعار نویسی در مکه و مدینه گسترش یافته است. تظاهرات دانشجویان اوج گرفته و آشکارا رنگ سیاسی دارد. در تظاهرات دو هفته پیش دانشگاه ریاض، دانشجویان شعارهایی علیه ملک فهد و ملک عبدالله ولیعهد عربستان دادند که با دخالت نیروهای گارد سلطنتی به مرگ یک دانشجو منجر شد. گروه های مخالف حکومت در اروپا نیز با برگزاری تظاهرات در هفته های اخیر سرنگونی رژیم کنونی و برقراری یک جمهوری پارلمانی مبتنی بر انتخاب آزاد مردم را در این کشور خواستار شدند.

نا آرامی های بحرین نظیر به گسترده گی آن از اهمیت ویژه ی برخوردار است. در این کشور نیز

تلاش های فرستاده سازمان ملل برای میانجی گری در افغانستان

دوره تمدید شده ریاست جمهوری برهان الدین ربانی رئیس جمهور افغانستان روز هفتم دی ماه به پایان رسید. با این حال ربانی کناره گیری از مقام خود را منوط به پذیرش پیشنهاد های خود در مورد راه حل بحران افغانستان از سوی گروه های مخالف و به ویژه گروه گلبدین حکمت یار کرده است.

در هفته های اخیر محمود مستیری فرستاده ویژه دبیر کل سازمان ملل در افغانستان، به تلاش های جدیدی برای میانجی گری بین طرف های جنگ داخلی و حل بحران قدرت در افغانستان دست زد. در چارچوب این تلاش ها، مستیری تا کنون چند بار بین کابل، اسلام آباد و جلال آباد مرکز قدرت حکمت یار رفت و آمد کرده است تا پیام های طرفین را انتقال دهد. فرستاده سازمان ملل هفته گذشته اظهار امیدواری کرد که ربانی طرف یک هفته از مقام خود کناره گیری کند و جای خود را به یک حکومت انتقالی دهد.

در کابل گفته می شود که ربانی می خواهد به نفع مولوی شاه فضللی از گروه حرکت انقلاب اسلامی به رهبری مولوی نبی محمدی کنار رود. محمدی در جنگ با حکمت یار تا کنون متحد ربانی بوده است و از این روانتظار نمی رود جایگزینی ربانی با شاه فضللی تغییر چندانی در آرایش نیروهای درگیر در جنگ افغانستان دهد.